



پیام فدائی

مرگ بر امپریالیسم
و سگهای زنجیریش

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

پهء ۱۰۰۰ ریال

آبان و آذر ۶۸ - ۳۲ صفحه

سال چهارم شماره ۲۹

وقتی که حزب دمکرات معلم بوسبالیسم می شود!

(قسمت آخر)

دیکتاتوری پرولتاریا میزند بسدون
تودید اگر به حاکمیت برسد به همان
شیوه های استالین توسل خواهد جست
(تاکید از ماست) پس از نظر حزب
دمکرات کسانی که "دم از استقرار
دیکتاتوری پرولتاریا" میزنند همان
کسانی هستند که میخواهند "شیوه های
پرولتاریا میداند و دم از استقرار
در صفحه ۵

اما اگر حزب دمکرات شجاعت آن را
ندارد که حرفها و اهداف باطنی را با
صراحت به زبان آورد، بگذارد حرف دل
او را با نقل قول از مقاله ای که در
اینجا مورد استناد ماست نشان دهیم، در
این مقاله حزب دمکرات می نویسد:
"سازمانی که استالین را مظهر قدرت
پرولتاریا میداند و دم از استقرار



امپریالیسم

"روح تعریک بخش"

جمهوری اسلامی

نفرت روزافزون توده ها از رژیم
وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با
توجه به حنایات و فحایع رسوائی که
بدست این رژیم در جامعه ما آفریده شده و
در متن شرایط دهشتناک و غیرقابل تحملی
که رژیم جمهوری اسلامی درست بدلیل
واستگیش به امپریالیستها و لاجرم بدلیل
حفاظت از سیستم بحران زده سرمایه داری
وابسته ایران برای توده های ستمدیده ما
بوجود آورده، باعث آن گشته است که
خواست سرنگونی رژیم با شدت و برجستگی
هرچه تمامتر در بین آنان مطرح شده و
سئوالات چندی در رابطه با آینده رژیم
جمهوری اسلامی ذهن آنها را شدیداً به خود
مشغول نماید. سالهاست که خلقهای ما
در صفحه ۲

کمیود خوابگاه معضل دانشجویان

در صفحه ۳۲

دار این شماره

گزیده های از رادیو صدای چریکها :

در صفحه ۱۸

- * شعر: خوشبخت ۱۳
- * نکته ها و گفته ها ۱۶
- * اخبار و گزارشهای خیری ۲۴
- * ایران از دریچه آمار ۲۹
- * روز شمار آبان و آذر ماه ۳۱
- * شهدای آبان و آذر ماه
- * چریکهای فدائی خلق ایران ۳۱

در باره ضرب و تم مطولین جنگی در تهران

در صفحه ۱۵

فراخوان مالی چریکهای فدائی خلق ایران

در صفحه ۲۳

اقتصاب و درگیرک در کارخانه جوراب آسیا

در صفحه ۱۲

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

امپریالیسم "روح تفرک بخش" جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

با روحیه‌ای رزمنده و امیدوار با خواست تحقق شعارهای مبارزاتی خویش، و پایان دادن به فقر و فلاکت و دربندگی و بی‌خانمانی و انواع ظلم و فساد و ستمدالی‌های موجود در جامعه در جهت کسب شرایط مناسب زندگی و رسیدن بسط آزادی در رابطه با سرنگونی این رژیم روزشماری میکنند و جوهری‌های آنند که بالاخره چه مروج مرگ رژیم جمهوری اسلامی فراغ برسد و چه وقت سرنگونی آن تحقق خواهد یافت.

شکی نیست که طرح و وجود چنین سناریوئی در بیست و نه سال گذشته، نیروهای سیاسی مختلف را ملزم به پاسخگویی مینمود و الحاق هر یک از آنان نیز با تعلیقاتی مختص خویش به جوابگویی در زمینه فوق پرداختند. در این میان تعلیقاتی اپوزیونیستی و انحرافی مدعی قریب الوقوع بودن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی شده و این اندیشه چنان در بوقه‌های تبلیغاتی مختلف دمیده شد که بزودی به اندیشه‌ای رایج در جامعه تبدیل گشت و بصورت شايعترین موضوع در بین مردم درآمد. سازمان‌های مختلف خلق در رواج اندیشه قریب الوقوع بودن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با همه عوارض خود این سازمان سرنگونی رژیم خمینی تا آنجا پیش رفت که تا رنجهای مدنی را نیز جهت سرنگونی آن تعبیر و آن را تبلیغ نمود. این سازمان حتی سال، ماه و روز سرنگونی رژیم را نیز پیش‌بینی میکرد، البته نیروهای دیگری نیز که تعلیقاتی مشابه مجاهدین در دست داشتند، کمتر از این سازمان بسط یافته اندیشه قریب الوقوع بودن سرنگونی رژیم نمی‌پرداختند و گاه حتی با عبارات عاریتی از سارکسیسم و با ادعای ارائه تعلیقاتی با اصطلاح مارکسیستی به این توهم دام زدن از این زاویه بود که مسئله تشبیه با عدم تشبیه جمهوری اسلامی به موضوع بحثهای این دسته از نیروهای سیاسی تبدیل گردید که اتفاقاً در پاسخ به آن همدانشانی که آشکارا و با بنحوی از انحاء ما هیت مستقل از امپریالیسم برای رژیم جمهوری اسلامی قائل بودند آنرا نه مزدور و سگ زنجیری امپریالیسم بلکسیسم رژیم مستقل که حداکثر دارای ارشاد طاعتی با امپریالیستها میباشد، تلقی مینمایند، متفق القول بوده‌اند که جمهوری اسلامی در جای خود تشبیه نشده و بزودی سقوط خواهد کرد. تعلیقاتی از قبیل رژیم جمهوری اسلامی رژیم "مسادون سرمایه‌داری" است، "نا مطلوب" برای امپریالیسم و صیقلیسم سرمایه‌داری میباشد. گاست حکومتی است که واقعیت وجودیش

بخصوص با توجه به مذهبی بودنش با زیربنای جامعه مدنی سرمایه‌داری وابسته خوانائی ندارد و با چون دچار بحسبران اقتصادی و سیاسی است، چند صباحی بیشتر نخواهد دوام بیاورد و غیره همگی توجیه‌گر اندیشه‌ای است که از عدم تشبیه جمهوری اسلامی سخن گفته و معتقد است که این رژیم هنوز حواز ماندن بر سرکار را در دست نداشته و با آن را کسب نهموده است. در این اواخر نیز با طرح مسئله مرگ خمینیست‌ها و نیروهای سازشکار روی مرگ این جنرال حساب ویژه‌ای باز کرده و توهم ایجاد تغییر و تحولی اساسی پس از مرگ وی را مدعی است اگر در مواردی صریحاً از سرنگونی رژیم بعد از فوت خمینیست‌ها صحبت نمیشد به توده‌ها شایع می‌شد.

این تعلیقات درست به اعتبار غیر علمی و غیر واقعی بودنشان نمیتوانست تا ثمرات نا مطلوب بر روی توده‌ها باقی نگذارد، واقعیت آنست که نه فقط مرگ خمینی و عدم تحقق پیش‌بینی‌های آنان در رابطه با مرگ آن مزدور بلکه واقعیات آشکار دیگری مبین ورشکستگی این گونه تعلیقات و تفکرات انحرافی ناشی از آنها میباشد. برای نشان دادن بعد این ورشکستگی کافی است به خود واقعیت رجوع کنیم تا ببینیم که علمبرگم تبلیغات پوچ و انحرافی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی بزودی سقوط خواهد نمود، جنبش انقلابی ایران و خطهای تحت ستم ما ده سال است که سلطه سنگین جمهوری اسلامی را با پوست و گوشت خود لمس کرده و در زیر سرکوبی‌های وحشیانه این رژیم در یکی از دهشتناک‌ترین شرایط گرسنه نا رنج معاصر ایران بخاطر دارد، بسر می‌برد و در حالیکه خشم و نفرت بیحد از رژیم مزدور جمهوری اسلامی سرافکند وجودشان را در بر گرفته و در حالیکه همه شواهد حاکی از ضعف و ناتوانی رژیم بوده و ظاهراً حکم به نابودی عاجز سر بر آید آن میدهند، ولی این رژیم با استیصال و درماندگی هم‌گشته، همچنان بر اینکه قدرت قرار دارد.

رواج اندیشه‌های انحرافی در قالب عبارات عدم تشبیهت جمهوری اسلامی و نتیجه‌گیری از آن که سرنگونی رژیم قریب الوقوع میباشد در حالیکه در گذشته خویش توده‌ها را بسط استقلال طلبی و چشم‌دوختن به تحولات از بالا دمسوت مینمود در دست بدلیل شعارش آشکارشان با واقعیت در پروسه خسود زمینه‌ساز رشد گرایشات تسلیم طلبانه و گذرش اندیشه‌های ما پوسانده گشته و به تدریج این روحیه غیرمبارزاتی که

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

اندیشه تشبیهت‌رژیم قرار دارد، پس بدینجهت تشبیهت را نطفی
میکرده‌اند - در کدام عرصه میتوانند خود را موفق و پیروز
فرض کنند؟! (۱۱۱)

بگذارید برای اینکه کینه مسئله بیشتر آشکار شود
مختصراً با نگاهی به نظری کد بحران اقتصادی حاکم بر کشور
را دلیل بر سرنگونی سریع این رژیم تلقی کرده و به ایمن
اعتبار از عدم تشبیهت رژیم جمهوری اسلامی سخن میراند بیه
توضیح امر بپردازیم.

این واقعیت غیرقابل انکاری است که نظام سرمایه داری
وابسته ایران را بیش از ده سال است که بحرانی بزرگ فراگرفته
و اساساً رژیم جمهوری اسلامی نیز زاده همین بحران بوده و
برای مقابله با آن به خلفای ما تحمیل گردیده است. اما
اگر وجود بحران خود بروشنی بیباکتر گنجدیدگی نظام سرمایه داری
وابسته و ضرورت نابودی آن میباشد، در همان حال بایست
دانست که این امر به هیچوجه دلیلی بر سرنگونی سریع رژیم
موجود نمیشد. این مدعا را قبلاً اینکه لازم باشد بسا
دلایل شوریگ به اثبات رسانند میتوان با تکیه بر تست‌ها و
حاکمیت دهساله جمهوری اسلامی توضیح داد. تجربه‌ای کسسه
نشان میدهد چگونه رژیمی که ده سال است در بحران غوطه‌ور
میشد، توانست است در همان حال ۸ سال جنگ و توام با آن
سرکوب خونین انقلاب را پیش برده و در شرایطی که ارتامین
حد اقل ما بحتاج بوده‌ها عاجز است هر روز بیش از گذشته بیه
چاره‌ها آنها بپردازد و در اوج خشم و نفرت توده‌ای به حکومت
ننگین خویش ادا به دهد. ادعای فوق با تکیه به تجربه
کشورهای دیگر نیز ثابت میگردد.

آیا در سالهای اخیر در فلیامین، ما با بحران‌های
سخت اقتصادی و سیاسی روبرو شدیم و یا مگر در برزبیل
و سگزیک بحران شدید اقتصادی وجود ندارد و آیا وجسود
بحرانهای حاد اقتصادی در الجزایر و اردن علی‌رغم خلفان
حاکم بر این جوامع به شورهای خیا با نی منجر نگردیدند؟
آیا کسی میتواند منکر بحران شدید اقتصادی در اسرائیل و یا
حدت تضادهای طبقه حاکمه در آنجا باشد، پس چرا رژیمهای
حاکم بر کشورهای یاد شده سقوط نمیکند و مثلاً شخصسی از
سرنگونی سریع رژیم صهیونیستی اسرائیل که سالهاست در نقش
بگ زنجیری امپریالیسم در منطقه به پیشبرد سیاستهای
فدخلق امپریالیسم مشغول است در میان نمیباشد؟

اگر این واقعیتی است که به اعتبار بحران در نظام
جهانی امپریالیسم و سیاست امپریالیستی در سرکن نمودن
با رایس بحران بدوش کشورهای تحت سلطه در چهار گوشه جهان
ما شاهد گسترش بحرانهای شدید اقتصادی و سیاسی در کشورهای
تحت سلطه میباشیم، اما همین واقعیت در عین حال نشان
میدهد که به این اعتبار نمیتوان از سرنگونی سریع رژیمهای
حاکم بر آن کشورها و از این زاویه از عدم تشبیهت آنها سخن
گفت و بواقع نیز رژیمهای حاکم در اغلب کشورهای تحت سلطه
علیرغم مواجهه با بحرانهای شدید اقتصادی و سیاسی همچنان

دیگر امید به سرنگونی رژیم دامنش جمهوری اسلامی نیست
در جامعه اشاعه میدهد، به این ترتیب با دیگر معلوم میشود
که سازشکاران و اپورتونیستها چگونه با تحلیلهای و تبلیغات
غیرواقعی خویش ضمن فریب توده‌ها توهمات آنان را دامن زده
و انرژی مبارزاتی خلق را به هز میبرند و اگر آنها خود
را با ایجاد امیدهای کاذب تسکین میدادند، چگونه اشاعه
امیدهای کاذب در روند خود به ناامیدی‌های بزرگتر منجر
میکردند.

اما اگر ورشکستگی تحلیلهای سازشکارانه است
بیش از پیش آشکار گشته و نتایج مخرب خویش را نیز بطور
محسوس بجای گذاشته است، دارندگان چنان تحلیلهای بجای
اعتراف به انحرافی بودن و ورشکستگی آن تحلیلهای و درگیری
از آنها امروزه سربیک بنحوی سعی دارند رنگ و لعاب جدیدی
به دستگاه فکری خود زده و ورشکستگی با اصطلاح آبرودندان
محددا به طرح آن نظرات و اشاعه‌شان در جامعه بپردازند.
در اینجا ست که عبارات "ما مانده‌های رژیم خمینی" که گویا
امر سرنگونی آن دیگر در گرو وارد آوردن تنها بیک ضربه
میباشد، مطرح میگردد و با کسانی بیاد آن میافشند که اگر
مثلاً در نردای روز مرگ خمینی به توده‌ها هشدار داده بودند
که "بزمینه آشفتنی در صفوف رژیم"، "با بدبا تمام توایسه
خیابانها ریخت" والا "اگر در این ملاحظه شرونها از دست
داده شود" جناح رفسنجانی قدرت را قبضه کرده و این امر
زمینه ساز "تشبیهت جمهوری اسلامی" خواهد گردید (۱۱۲) است
در پاسخ به نامه‌ها و سؤالات "اندیشیه
کاذب به اصطلاح" عدم تشبیهت رژیم "را از زاویهای که
مطرح بوده است به اما و اگرهای منوط کرده و بگویند
در صورت طرح مسئله به فلان صورت" باید بگوئیم که
جمهوری اسلامی هنوز تشبیهت نشده است "ولی اگر مسئله بیه
گونه‌ای دیگر و به بهمان صورت مطرح گردد" باید بگوئیم بله
رژیم از دستها. پیش تشبیهت شده است" والجنه جای شکی نیست
که چنین توحیهاتی به سبکی که تاکنون از طرف این نیروها
نشان داده شده الزاماً باید با طعنه‌ای به چریکهای فدائی
خلق همراه بوده باشد که برخلاف همه اپورتونیستها و
سازشکاران هرگز توده‌ها را با اندیشه قریب الوقوع بسودن
سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی فریب نداده و برعکس در بحبوحه
بازار گرمی تبلیغات سازشکاران در زمینه فوق به توده‌ها
گفتند که اساساً مسئله رفتن یا ماندن رژیمهای وابسته از آنچنان
اهمیتی که اپورتونیستها و سازشکاران مبلغ آنهاست برخوردار
نیست بلکه اساساً مسئله بر سر نابودی سلطه امپریالیستی و قطع
نفوذ امپریالیسم از میهنمان میباشد و

براستی اگر اپورتونیستها در مقابله با نظرسرات
چریکهای فدائی خلق دن کثورت وار دشمن خبالی برای خسود
نترانند - که به ادعای آنها گویا چون معتقد بیک شکل از مبارزتی
سبازره قهرآمیز میباشد و این امر نیز در مغایرت بسا

رجوع شود به اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران - شورایی "پیرامون مرگ خمینی"

سیاستهای امپریالیسم از خود بروز داده است. سیاستهای جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب ایران، پیشبرد جنسیسم امپریالیستی ایران و عراق، پیشبرد سیاستهای امپریالیسم در لبنان و افغانستان، رواج تبلیغات "اسلامی" در منطقه و جمهوری های جنوبی شوروی، همگی نشان میدهد که چگونه این رژیم در جهت منافع امپریالیسم گام برداشته و چسبندگی امپریالیسم بیشتر از آنچه کوتاه اندیشان تصور میکنند در آن حساب باز کرده و در جهت حفظ آن سبکوشد.

اگر سجا هدین و دنباله روانشان با تکیه بر نظرات انحرافی خویش فکر میکنند که با سرگ خمینی، روح از جسم خمینیست جمهوری اسلامی خارج گشته و این رژیم "روح از دست داده" آنها لاشه متعفن است که جز زمان کوتاهی برای در قبر گذاشتن آن باقی نداشته است، واقعیت آنست که "روح شرک بخسشت" رژیم جمهوری اسلامی، نه "روح الهی" بلکه قدرت امپریالیسم جهانی است که تمام شواهد حاکی از آنست که قصد دارد گامگان از هیچ کوششی برای بر سر کار نگه داشتن او دریغ ننماید.

در پایان ضمن تکیه به این نکته که رواج اندیشه های غیر علمی و دور از حقیقت اپورتونیستیها و سازشکاران الزام نمیتوانست به نتایج نادرستی همچون سرنگونی سریع رژیم جمهوری اسلامی و یا اسباب از دست دادن چشم انداز سقوط این رژیم منجر نگردد، باید مؤکداً بگوئیم که حاکمیت امپریالیستی در ایران بهیچوجه از ثبات پستیم برخوردار نمیتواند باشد. واقعیتی که چشم اندازی وسیع در مقابل انقلاب طلبیهای ایران قرار میدهد، در نتیجه توده های ما باید بدون توجه بسسه تزه های اپورتونیستی و دلخوشی به سرنگونی سریع جمهوری اسلامی، به این بیاندیشند که بدون شرکت فعالانه خودشان در نبرد بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بدون اینکه خود سباز خیزند و با قدرت انقلاب سلطه امپریالیسم را نابود سازند، از تحلیق خواستهای با حقشان و از آزادی و دمکراسی خبری نخواهد بود و حتی اگر امپریالیسم در اشهر مبارزات توده ها مجبور شود چماق با ارزش خود یعنی جمهوری اسلامی را از دست بدهد، باز تا حاکمیت امپریالیسم جهانی با برحاست آنان از قید رژیمهای جناحیستکاری همچون رژیم جمهوری اسلامی خلاصی نخواهند یافت. بنا بر این اگر با پسند همواره حقایق را با توده ها در میان گذاشت و اگر با پسند در رابطه با توازن قدرت انقلاب و فدائیانقلاب مخالف نگردد و امیدهای کاذب ایجاد ننمورد، باید به جرات به خلقتهای مبارز ایران بگوئیم که برای رسیدن به جامعه ای که در جهست تحقق آن مبارزه میکنند راهی طولانی در پیش است که تنها و تنها با شرکت فعالانه آنان پیموده شده و به نتیجه خواهد رسید. راهی که علیرغم همه سختیهایش و علیرغم طولانیسی بودنش تنها راه رسیدن به آزادی است، راه جنگ توده ای و طولانی.

در سرکار نگاه داشته شده اند. از جنبه های دیگر این واقعیت را نیز باید مورد توجه قرار داد که حتی اگر بحرانهای اقتصادی و سیاسی در تداوم خود بسسه یک وضعیت انقلابی، همچون وضعیتی که درواخسر سلطنت شاه بوجود آمد، منجر گردد، باز هم بهمانگونه که تجربیات تاریخی ثابت نموده است نمیتوان حکم به سرنگونی سریع حکومت داد. چرا که هر وضعیت انقلابی الزاماً بسسه سرنگونی رژیم حاکم و یا به انقلاب و پیروزی آن منجر نمیشود. بنا بر این اگر چه جنبشهای توده ای بر زمین بسسه بحران اقتصادی و رشد تضادهای درونی رژیم و بحران سیاسی حکومت، امکان رشد و گسترش هر چه بیشتری میابند، ولیسی این واقعیت نمیتواند توجیه گر تحلیلهای گردد که به صرف بحرانی بودن سیستم اقتصادی ایران و یا به دلیل وجود تضادهای حاد در بین سردمداران رژیم حکم به قریب الوقوع بودن سقوط رژیم جمهوری اسلامی میدهد. بواقع آنچه آنها از نظر دور میدانند و یا اساساً قادر به فهم آن نمیتوانند اینست که اقتصاد جامعه ما روی پای خود قرار نداشته، بلکه بسا تمام تاروپود خویش وابسته به سیستم جهانی امپریالیستی است و همین عنصر وابستگی است که علیرغم فرق بودن سیستم سرمایه داری وابسته ایران در بحرانی شدید باعث گردیده بسسه رژیم که برای حفاظت از آن بر سر کار قرار گرفته است، همچنان با برجامانده و با حمایت و هدایت امپریالیسم سیاستهای ضد خلقی خود را در جهت تامین منافع امپریالیستی پیش ببرد.

با لطبع عدم درک واقعیت فوق باعث انحراف در زمینه های دیگری نیز میگردد. کسانی که جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی چشم خود را به سرگ خمینی دوخته بودند در واقع نشان داده و میدهند که سلطه ضد خلقی حاکم بر میهنمان را قبل از اینکه ناشی از امپریالیسم بدانند به شخص خمینی نسبت داده اند. ولی اگر آنها نمیدانند و یا نمیخواهند بدانند، سردمداران جمهوری اسلامی بخوبی میدانند که این رژیم قبل از اینکه به خمینی وابسته باشد، به امپریالیسم وابسته است و با سرگ خمینی نیز همچنان با الهام و یاری "امدادات غیبی" آریابان امپریالیستش در جهت منافع و مصالح آنها سیاستهای ضد انقلابی خود را پیش خواهد برد. بخصوص آنها شی که حتی بجای لفظ رژیم جمهوری اسلامی، از عبارت "رژیم خمینی" برای نامیدن این رژیم استفاده میکنند و با سرگ خمینیسی از "توده های رژیم خمینی" سخن میگویند و برای خمینی چنان قدرتی قائل بودند که بواقع فاقد آن بود، مشکلتان تنها این است که منافعشان اجازه نمیدهد بفهمند که جمهوری اسلامی رژیم وابسته به امپریالیسم میباشد که در ده سال اخیر امپریالیسم آنرا برای غلبه بر بحران نظام موجود و سرکوب انقلاب و در همان حال پیشبرد سیاستهای ارتجاعیاش در منطقه براریکه قدرت قرار داده است و اتفاقاً در این ده سال رژیم جمهوری اسلامی در انجام وظایف ضد خلقی خود نه تنها کوتاهی نکرده بلکه با ارتکاب به جنايات بیشمار و آفرینش فجایع رسوا در حق توده ها، قابلیتهای قابل توجهی نیز در پیشبرد



و تئوری که حزب دمکرات

معلم سوسیالیسم می شود!

از صفحه ۱

استالین " را پیاده کنند، بدون اینکه بخواهیم فعلا وارد این بحث شویم که چرا الزاما دیکتاتوری پرولتاریا را باید با همان با اصطلاح "شیوه های استالین" یکسان گرفت، بهتسوس است برای شناخت این شیوه ها از نظر حزب دمکرات مطالب را ادامه دهیم و ببینیم حزب دمکرات در این زمینه چه میگوید. از نظر حزب دمکرات شیوه های استالین همانا زیر بار گذاشتن "ابتدائی ترین حقوق انسانها" با کفتار "میلیونها نفس از مردم شوروی" و نهها شیوه جنسایت بار دیگر میباشد. بنا بر این حزب دمکرات در حالیکه دیکتاتوری پرولتاریا را با اصطلاح "شیوه های استالین" مترادف هم قرار میدهد با رد آن به اصطلاح شیوه ها به رد يك اصل خدشه ناپذیر در مارکسیسم یعنی ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا میپردازد و در ضمن سازمانهای چپ مارکسیست را هم به عدول از این اصل فرامیخواند. چنین است که رهبری حزب دمکرات اگر تاسا دیروز در "بحث کوتاهی درباره سوسیالیسم" با حماقت تمام میکوشید ثابت کند که از نظر مارکس دیکتاتوری پرولتاریا يك اصل "نیست" و با کارانه اعلام مینمود "از دیدگاه يك فرد مارکسیست" طرفداری از دیکتاتوری پرولتاریا بسا به هیچ وجه نباید مانع يك اصل تغییرناپذیر و غیر قابل بحث در نظر گرفته شود" و با تکیه به رد این اصل از سوی رویزیونیستها ساده اندیشانی در صفوف حزب دمکرات را که گاه به طرفداری از ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا سخن می گفتند به عنوان "کاسه ناغتر از آس" به مسخره میگرفت، حال کار و قاحت را به آنجسار رسانده است که اعتقاد به دیکتاتوری پرولتاریا که بسدون اعتقاد به آن هیچ معنی مارکسیستی را نمیتوان مارکسیست نامیده به مسخره گرفته و کمونیستهای که با آنهاست برای رهائی بشریت از یوغ هرگونه ستم و استثمار جسدان

برکف بر علیه سرمایه داری میزنند را جماعتی آدم کش که هدفی جز کشتار توده ها ندارند معرفی می نماید.

در نتیجه حزب دمکرات سناریوی کوبیدن و تخطئه دیکتاتوری پرولتاریا و رد الزام تاریخی آن برای پیروزی کارگران را بوسیله هیستری ضد استالینی به کودکانه ترین شکلی توجیه نموده و نشان میدهد که حتی در ارکستر ضد کمونیستی ای که از سوی امپریالیستها سازمان یافته است نیز، استعداد چندانی ندارد و حداکثر میتواند در نقش نوازنده دوره گس سردی خود نمائی نماید.

اما برای اینکه فریبکارهایی این نوازنده دوره گرد را به مردم کرستان و پیشمرگان حزب و بویژه آنهاست که با احساسات خام سوسیالیستی هنوز در صفوف این حزب فعالیت می نمایند، بساز هم بیشتر نشان دهیم، لازم است تاکید کنیم که ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا امری نیست که از فکر استالین تراوش کرده و یا ناشی از تفسیر استالینی مارکسیسم - لنینیسم باشد و اعتقاد کمونیستها به این اصل هم نه ربطی به "تفسیر های" استالین از مارکسیسم دارد و نه ربطی به ترجمه های غلط آثار مارکسیستی و یا "ادبیات انحرافی" حزب توده. بلکه اصل دیکتاتوری پرولتاریا ضرورتی تاریخی است که به وسیله مارکس بنیانگذار سوسیالیسم علمی شناخته شده و تاکید بر آن از سوی دیگران و از جمله استالین تنها بیانگر اعتقاد آنها به مارکسیزم و این حقیقت تاریخی می باشد.

اما ببینیم خود مارکس در "نقد برنامه گوتا" در این زمینه چه میگوید: "بین جامعه سرمایه داری و کمونیستی دوران تبدیل انقلابی جامعه اول به جامعه دوم قرار دارد. متناسب با این دوران يك دوران انتقالی سیاسی نیز وجود دارد و دولت این دوران چیز دیگری جز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا نمیتواند باشد."

شاید در اینجا تسلسل طلب دیدگسراژ مارکس در این باره غیر لازم نباشد تا به کسانی که تحت تاثیر تبلیغات حزب دمکرات قرار میگیرند نشان داده شود که اساسا خود مارکس چگونه کشف ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا را به عنوان یکی از خدمات خود به پرولتاریا عنوان میکند در این زمینه در نامه ای که مارکس در سال ۱۸۵۲ به "ویسد مهر" نوشته، آمده است: "و اما در باره خود

و بر علیه دیکتاتوری پرولتاریا، از ترس اینکه مبانی با اصطلاح متهم به دگماتیسم شوند، به تعبیر و تفسیر این ضرورت و کم رنگ ساختن آن دست میزنند، تنها نشان مینهند که مارکسیست نبوده و بی اعتقادی خود به مارکسیسم و خیانت به آنرا بنمایند میگذارند. اما اگر دیکتاتوری پرولتاریا یعنی دولتی که بر علیه اقلیت ستیگر و بورژوا، اعمال دیکتاتوری کرده و وسیعترین دمکراسی را برای کارگران و تبهیستان به ارمغان میآورد برای ساختمان سوسیالیسم ضرورتی اجتناب ناپذیر میباشد و انکار آن بی اعتقادی به پیروزی انقلاب کارگری و سوسیالیسم را آشکار مینماید. پس بهتر است بجاییم "سوسیالیسم" در اصطلاح آموزشهای سوسیالیستی حزب دمکرات چه مفهومی داشته و دارد.

رهبری حزب دمکرات در مقاله مورد بحث با استناد به "دیکتاتوری استالین" و تحولات اخیر در شوروی و چین مینویسد: "سوسیالیسم تاکنون به هدفهای خود نائل نیامده است" و به همین دلیل هم باید "جای خود را به سوسیالیسم دمکراتیک بدهد" و کمونیستها نیز بر این اساس لازم است در برداشتهای خود به یک تجدید نظر ریشه‌ای "مبادرت نمایند" قبل از اینکه به بررسی مفهوم "سوسیالیسم دمکراتیک" در نزد حزب دمکرات بپردازیم تا ماهیت سوسیالیسم مورد نظر این حزب و درخواستهای تجدید نظر طلبانه‌اش هر چه بیشتر روشن گردند، ذکر تذکری را لازم میدانیم.

واضح است که هر نیرویی بنا به ماهیت طبقاتی خویش از وقایع تاریخی درس میگیرد و بر همین اساس حزب دمکرات نشان داده است که در برخورد با مسائل مختلف، چه ظرفیت بزرگی در کوتاه اندیشی دارد. اگر در زمینه مسائل کردستان که حزب دمکرات خود را متخصص آن میدانند این رهبری تحت پوشش تغییر "تاکتیک" شعارها و اهداف استراتژیک خود را با لافور تغییر داده و در مقابل مشکلات و موانعی که در راه رسیدن به خودمختاری و دمکراسی وجود دارد بگونه‌ای انعطاف نشان داد که به دیکتاتوری جمهوری اسلامی و بعضی اختیارات منقلبه‌ای خود را قانع نمود، حال با کوتاه اندیشی تمام در برخورد با مسائل سوسیالیسم و مشکلات و موانعی که در جهت تحقق آن

باید بگوئیم نه کشف وجود طبقات نرجامعه کنونی و نه کشف مبارزه میان آنها، هیچکدام از خدمات من نیست. مدتها قبل از من مورخین بورژوازی تکامل تاریخی این مبارزه طبقات و اقتصاد دانا ن بورژوازی تشریح اقتصادی طبقات را بیان داشته‌اند.

کار تازه‌ای که من کرده‌ام اثبات نکات زیرین است (۱) اینکه وجود طبقات فقط مربوط به مراحل تاریخی معین تکامل تولید است (۲) اینکه مبارزه طبقاتی ناچار کار را به دیکتاتوری پرولتاریا منجر میسازد (۳) اینکه خود این دیکتاتوری فقط گذاری است بسوی نابودی هرگونه طبقات و بسوی جامعه بدون طبقات "برای اطلاع رهبری حزب دمکرات لازم است بگوئیم که لغین و البته نه استالین در "دولت و انقلاب" تاکید میکند که "مارکسیست فقط آن کسی است که قبول نظریه مبارزه طبقات را تا قبول نظریه دیکتاتوری پرولتاریا بسط دهد" و وجه تمايز کلاما عمیق بین یک خرده بورژوازی عادی (و همچنین بورژوازی بزرگ) با یک مارکسیست در همین نکته است.

پس معلوم میشود که ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا و امری که بوسیله مارکس کشف و تبیین گشت ربطی به بدآموزیهای این یا آن گروه و سازمان ندارد و معلوم میشود که تبلیغات رهبری حزب دمکرات در این مورد جزیمتا به ترفندهای فریبکارانه‌ای بیش نمیباشد. اما چنین تبلیغاتی نه تنها ذره‌ای از اهمیت و ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا برای ساختمان سوسیالیسم در نزد کمونیستها نمیکاهد، بلکه برعکس اهمیت این موضوع را با برجستگی هر چه بیشتری در مقابل کمونیستها و طبقه کارگر قرار میدهد. هم از اینرو چریکهای فدائی خلق افتخار میکنند که با صراحت تمام بر ضرورت انکار ناپذیر دیکتاتوری پرولتاریا برای ساختمان سوسیالیسم و رسیدن به کمونیسم تاکید ورزیده و اعلام میدارند که هر مدعی مارکسیستی به هر دلیل و به هر شیوه‌ای اگر در این اصل خدشه ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم کوچکترین تردیدی بنماید و یا بدلیل هر مصلحتی از تاکید بر آن طفره رفته و یا آنرا به شرایط من درآوردی مبروط سازد، جز عدول از مارکسیسم و خیانت به مارکسیزم کار دیگری نکرده است و آنهایی هم که در شرایط اوجگیری تبلیغات ضد کمونیستی

زنده باد خلق رزمنده کرده برای آزادی میجنگند

است که با درسگیری از این اشتباهات به مبارزه برای نابودی نظام سرمایه‌داری شدت هر چه بیشتری بخشیده و همیشه این سخن مارکس را بیاد داشت که پرولتاریا وقتی که قدرت بورژوازی را سرنگون و قدرت دولتی خود را برقرار نمود بجای اینکه اسلحه را زمین بگذارد باید برای سرکوب مقاومت سرمایه‌داران که تازه ده برابر بیشتر از قبل می‌گردد به اعمال قوه قهریه و استفاده از اسلحه بپردازد و در همین جا باید گفت که البته طبیعی است که این سخنان برای کسانی که هنوز بقدرت نرسیده از منسوخ بودن راه حل نظامی در مقابله با دشمن دم می‌زننده خوش آیند نبوده و واقعا هم «چپ‌گرا» و «چپزی» که بوی خطر کمونیزم از آن به‌خام می‌رسد، تلقی کرده با این تذکر حال لازم است ببینیم که «سوسیالیسم دمکراتیک» مورد نظر حزب دمکرات چه معنوی است؟ در مقاله حزب دمکرات آمده است: «سوسیالیسم دمکراتیک جامع‌ای است که هم از سرمایه‌داری و هم از سوسیالیسم موجود متمایز است».

بر این اساس «سوسیالیسم دمکراتیک» که «آرمان‌نهایی» حزب دمکرات اعلام شده است جامع‌ای است که نه با اصطلاح «سوسیالیسم موجود» قرابتی دارد و نه با نظام پرانده سرمایه‌داری بدون شک این دیگر کشف بزرگی در علوم اجتماعی است. کشفی که امتیاز آن صدرمد به «اندیشمندان» حزب دمکرات تعلق می‌گیرد. چرا که تاکنون اکثر اندیشمندان علوم اجتماعی معتقد بودند که جامع سرمایه‌داری به‌جا می‌رسد سوسیالیستی (۲) که دوران گذاری است برای رسیدن به کمونیزم-تبدیل می‌شود و تاکنون هیچ‌یک موفق نشده بودند جامع جدیدی را کشف کنند که نه سرمایه‌داری است و نه سوسیالیستی و تمامی اختلافاتی هم که تاکنون در مورد ماهیت این «سوسیالیسم موجود» بین دیدگاه‌های مختلف وجود داشت به‌رحال در همین محدوده دور می‌زدند که عده‌ای این «سوسیالیسم موجود» را جامع‌های سرمایه‌داری وعده‌ای سوسیالیستی میدانستند و تمامی گرایش‌های فکری در این زمینه هم‌چون آگاه‌بودند یا نبودند در تحلیل نهائی جز این نمی‌گفتند و نمی‌گویند «ولی حال!» اندیشمندان «حزب دمکرات ما در کرستان به کشف بزرگی نائل آمده‌اند و جامع‌های را برای ما تصویر می‌کنند که نه قرابتی با نظام متمرکز سرمایه‌داری دارد و نه با سوسیالیسم موجود» (۳) هم‌خوان است «اما براساسی ایمن دیگر ۲ و ۳ - با بدتوجه داشت که حزب دمکرات «سوسیالیسم موجود» را همان سوسیالیسمی میداند که مورد نظر مارکس بود».

وجود دارد از دیگران می‌خواهد که یکباره کل سوسیالیسم را به کناری گذاشته و راه ارتداد را در پیش گیرند. بلکه سازشکاران همواره در برخورد با مشکلات قبل از هر چیز اهداف استراتژیک ادعائی خود را «واقع بینانه» تر می‌سازند. درست پسر خلاف انقلابیون که از شکستها برای هموار کردن راه مبارزه در جهت رسیدن به اهداف انقلابیشان ترس می‌گیرند. چنانچه حزب دمکرات در برخورد با اولین مشکلات جدی عنوان نمود که «کرستان راه حل نظامی ندارد» و تحت این لفافه براهتی شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را به‌عبارت تقویت جناح مذاکره‌جوی این رژیم تبدیل ساخت، براساسی چه جای تعجب است که این حزب «کمونیستهای» «چپ‌گرا» را از برخورد جدی به مشکلات راه سوسیالیسم بر حذر داشته و آنها را به راه «راست» هدایت ننماید. البته در مورد اخیر که همچون کرستان جز «امور تخصصی» حزب دمکرات نمی‌باشد، حرجی بر او نیست و در این زمینه نباید زیاد به او سخت گرفت.

در صورت این واقعیتی است که انقلابات کبیرگرا رگوری بدلیل غلبه ویزیونیم بر آنها متحمل شکستهای بزرگی شده اند اما کمونیستها در مواجهه با این شکستها هرگز در حقانیت و ضرورت سوسیالیسم و کمونیزم تردید نمی‌کنند و همچون حزب دمکرات که براهتی شعار استراتژیک (بقول خودش) دمکراسی برای ایران را به «دیکتاتوری آخوندی» و خودمختاری برای کرستان را به کسب نوعی خودگردانی - تازه در بهترین حالت - تبدیل می‌کنند خود را به سوسیالیسم‌های بی‌بو و خاصیت مشغول نمی‌کنند آنها در مواجهه با این شکستها تنها با این می‌اندیشند که چه درسهائی را و چگونه می‌توانند از آن شکستها اخذ نمایند و چگونه باید بچنگند تا نظام سرمایه‌داری را بطور قطعی نابود سازند. چرا که این شکستها بواقع بسا برجستگی هر چه بیشتری ضرورت نابودی قطعی سرمایه‌داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا برای ساختمان سوسیالیسم را به اثبات میرساند و اتفاقا تحولات اخیر که حزب دمکرات آن را تحولی انقلابی قلمداد میکند - و در همین جا به معنی انقلاب هم میتوان در نزد این حزب پی برد - نشان میدهد که طبقه کارگر در اعمال دیکتاتوری خود بر علیه ستمگران و در ساختمان سوسیالیستی جامعه دچار اشتباه گردیده و درست به همین خاطر بوده است که رویزیونیستهای رنگارنگ اسکان رشد و قدرت نمائی یافته‌اند. در نتیجه آنچه در برخورد به شکستهای یاد شده باید بطور کلی مورد توجه قرار گیرد این

آغاز گفته است «..... هم اکنون دولت سوسیالیستی فرانسه از نظراقتصادی واجتماعی تقریباً همان کارهایی را انجام میدهد که مورد نظر حزب کمونیست فرانسه است..... در این آزمایشی تنها یک مسئله برای ما جالب است و آن اینکه اگر ایستادن تجربه پیروز گردد نمونه‌ای از سوسیالیسم دمکراتیک بنحیث خواهد داد.» آیا برای درک راز معجون کذائی باز هم احتیاج به توضیحی هست؟ آیا باز هم کسی حق دارد در ماهیست دمکراسی و راه حل‌های دمکراتیک و سوسیالیستی این حسرت‌سبک و تردیدی به خود راه نهد؟

پس «سوسیالیسم دمکراتیک» که حزب دمکرات این همه از آن سخن می‌گوید و آن را در مقابل نیکتا توری پرولتاریا که گویا آنقدر غیر «دمکراتیک» است که با قتل و جنایت یکسان فرض می‌شود، قرار میدهد همین «آزمایش» آقای میتران و حزب سوسیالیستش در فرانسه میباشد، یعنی طبق خیال پرنازی رهبری حزب دمکرات اگر همه «چپ مارکسیست» ایران و کمونیست‌های سراسر جهان زیر پرچم حزب سوسیالیست فرانسه جمع شوند، کسب تازه آنقدر «سوسیالیست» است که «همان کارهایی را انجام میدهد که مورد نظر حزب کمونیست فرانسه است» و ایستادن یکی هم آنقدر «کمونیست» است که همان چیزها را می‌خواهد که حزب سوسیالیست میتران انجام میدهد - دیگر نه از «بهران» خبری خواهد بود و نه از «نیکتا توری استالینی» - واقعا که باید برای اندیشه‌مندان حزب دمکرات هورا کنید و به ایستادن همه هوس و نکاو و تدرود فرستاد!

هر کسی منطقا انتظار داشت که پس از آن همه لشکرکشی بر علیه نیکتا توری پرولتاریا و مارکسیسم - لنینیسم و «سازمانهای چپ‌گرا» که گویا درک خالص از مارکسیسم ندارند و نمیدانند که تئوری راهنمای عمل است و باید تئوری را با واقعیت تطبیق داد، نه اینکه واقعیت زندگی را با تئوری تطبیق نمود - حزب دمکرات حداقل چیزی برای گفتن داشتند باشد ولی معلوم شد که محتوای آن «معجون» کذائی هیچ چیز نیست جز سرمایه داری امپریالیستی فرانسه تحت رهبری حزب سوسیالیست آن کشور، که تنها قرابت سوسیالیسمش با سوسیالیسم بمشابه فاز اول جامعه کمونیستی همانا تشابه در اسم است - از آنجا که ماهیت جامعه فرانسه و حزب سوسیالیست آن کشور برکتر کسی پوشیده است بی تردید نیازی به تشریح بیشتر مسئله وجود ندارد، چرا که سوسیالیسم موجود در فرانسه

چه «معجونی» است؟ ولی خوانندگان ما نباید آموزشهای «سوسیالیستی» رهبری حزب دمکرات را زیاد هم دست‌کم بگیرند. آخر «دکتر» های دمکرات از وقتیکه درهای حسرت دمکرات را درمان نموده و آنها را به حزبی «واقع بین» تبدیل کرده اند که براحقی حاضر است «آرامش و امنیت» را برای جمهوری اسلامی و «خود مختاری» را برای خود آنهاست - در چارچوب رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مهیسا و آماده کرده و حتی مشکلات «بازسازی» این رژیم ددمنش را نیز پاسخ گویند، اکنون آماده اند با «معجون» «سوسیالیسم دمکراتیک» برای همیشه به دعوی نظام سرمایه داری و طبقه کارگر پایان داده و یک «صلح» طبقاتی - شایدم غیرطبقاتی کسی چه میداند! - در جهان بوجود آورند تا نه سوخ بصورد و نه کباب و صلیحی که از آرمانهای طبقه کارگر «سوسیالیسم» را دارد و از انچه‌های پرورازی «دمکراتیک» را همه راز مسئله در همین نکته نهفته است در معجون بنحیث «سوسیالیسم دمکراتیک» -

البته معجون فوق در حالیکه «تحولات انقلابی» در «سوسیالیسم موجود» را توضیح میدهد خاصیت‌های عجیب دیگری هم دارد - بوسیله آن میشود بر «بهران» «چپ مارکسیست» ایران فائق آمد، احساسات خام سوسیالیستی بعضی از هواداران را پاسخ گفت، در پشت پرده مذاکراتی بسته به شرایطی یکی از اجزا «دوگانه» آنها برجسته نمود و غیره و غیره - اینها هم باید دانست که برای پی بردن به کنه راز معجون اختراعی حزب دمکرات احتیاج به تحصیل زحمت زیادی نیست - آخر از آنجا که حزب ما به اصول دمکراسی زیادی پایبند است و حتی قبل از اینکه آقای گورباچف از ضرورت «علیثیت» سخن گوید، به این ضرورت رسیده و به آن پاسخ داده بود - و حتی گاه در اینجا و آنجا به آقای گورباچف هم انتقاد میکند که چرا حرفهای او را به اسم خوردن جا زده است - در نتیجه این حزب بسیاری هواداران خود و شاید هم بهتر باشد بگوئیم برای «دوستان خارجی» حزب با وضوح هرچه بیشتری توضیح داده است که «سوسیالیسم دمکراتیک» چگونه جامعه‌ای است و میتوان از وری آن توضیحات، به کسب شناخت دقیقتری از این معجون ناشناس آمد - برای این منظور تنها لازم است به صفحه ۳۱ «بحسب کوتاهی در باره سوسیالیسم» مراجعه کنیم تا ببینیم در این زمینه چه می‌گوید!

فریاد وای دیکتا توری سرکشد - میریازود متحقق خواهد شد و مسلما شکستهای طبقه کارگر در این یا آن کشور و در این یا آن دوره هیچ خللی در این مسیر بازگفت ناپذیر تاریخ نخواهد داشت. چرا که این شکستها تنها تجربیات انقلابی ترین طبقه تاریخ را برای ساختن جامعه‌ای که در آن از مالکیت خصوصی و استثمار و زور و سرکوب پرستمکشان خبری نخواهد بود، فزونی میبخشد و پرولتاریا جامعه‌ای خواهد ساخت که در آن دیگر نه از استثمارگرانی خبری خواهد بود که در کارخانه شیره جانش را بمکند و نه از کسانی که به بهانه "صاحب اختیار خانه" بون، ستمکشان را نسته نسته به چوبه تیسر بسیارند. جامعه‌ای که هر صدای مخالفی را در آن به بهانه "آرامش و امنیت" در گلو خفه نخواهند نمود. آری طرفداران دیکتا توری پرولتاریا برای ساختن چنین جامعه‌ای جان برکف میزنند و در این رزم هرگز توده‌ها را با مجون‌هایی مثل "سوسیالیسم دمکراتیک" فریب نداده و از هم اکنون به آنها میگویند که اگر امروز باید برای سرنگونی سرمایه داری و رسیدن به قدرت بجنگند، پس از رسیدن به قدرت نیز بسرای سرکوب مقاومت است. استثمارگران که چون از قدرت برافتاده اند، لها بارها ترشده اند، باید صفا برابر مسلح شده و بسا سرکوب قاطع استثمارگران از بازگشت فاجعه بار سرمایه داری جلوگیری کنند تا راه بسرای رسیدن به جامعه کمونیستی هموار گردد. جامعه‌ای کسه در آن به دلیل فقدان مناسبات تولیدی استثمارگران و فقیدان طبقات حتی نیازی به دیکتا توری انقلابی کارگران نخواهد بود.



حاضر که خواست خوابگاه دانشجویی شدیداً در بین دانشجویان مطرح میباشد دانشجویان آگاه و انقلابی باید روی این خواست تاکید نموده و اعتراضات دانشجویان را در این رابطه سازمان دهند در عین حال آنان باید کاملاً هشیار باشند که از رخنه انجمن های اسلامی و دیگر ارگانهای رنگارنگ ضد انقلابی و سرکوبگر رژیم بداخل جنبش دانشجویی جلوگیری نموده و مانع از آن گردند که ارگانهای ضد خلقی رژیم بر زمین خوارستهای برحق دانشجویان در جهت مقاصد خویش بهره برداری نموده و آن مبارزات را به هوز ببرند.



که هیچ چیز نیست جز دولت یک نظام جا بسرانسه، آنها در آخرین مرحله رشد این نظام یعنی امپریالیسم - نظامی که با استثمار و غارت توده‌ها و سرکوب و محیانه مبارزات آنها نه تنها در فرانسه بلکه در چهار گوشه جهان به زرانسوزی مشغول است - رسوا تر از آن میباشد که بتوان آن راه، حتی در زورق "سوسیالیسم دمکراتیک" به توده‌های آگاه قالب کرد. ولی اگر میبینیم که رهبری حزب دمکرات علیه همسه این واقعیات با زهم با وقاحت تمام، دیکتا توری بورژوازی را به نام سوسیالیسم و آنها از نوع دمکراتیکش عرضه میکنند، این را باید تنها به حساب ریاکاری و در همان حال حماقت این رهبری گذاشت.

وقتیکه حزبی امپریالیسم فرانسه را به جامعه آرمانی خود و "میتران" را هم منطلقاً بعنوان سمبل دمکراسی و زهبر ساختن آن جامعه آرمانی به توده‌ها معرفی میکند، باید هم بر علیه دیکتا توری پرولتاریا ناسخن داده و از استالیسن بعنوان سمبل دیکتا توری نام ببرد. ولی این ریاکاری جز بسا پوزخند توده‌ها مواجه نخواهد شد.

در پایان لازم است به رهبران حزب دمکرات یادآوری کنیم که از آنجا که نظام سرمایه داری الزاماً به سوسیالیسم بمثابه فاز اول ساختمان جامعه کمونیستی تبدیل میشود و از آنجا که هیچ گریزی از این ضرورت تاریخی وجود ندارد، بنابراین جامعه آرمانی او یعنی نظام سرمایه داری در زورق "سوسیالیسم دمکراتیک" نیز الزاماً در جریان مبارزه طبقاتی جای خود را به جامعه سوسیالیستی داده و این ضرورت از طریق پیروزی طبقه کارگر در انقلاب و اعمال دیکتا توری این طبقه - چه به مذاق حزب دمکرات خوش آید و چه

کعبه خوابگاه معطل دانشجویان

از صفحه ۱۱

خاری در چشم دشمنان آزادی تبدیل نمایند. آنها بسا درک این وظیفه بزرگ و با علم به این واقعیت که دیکتا توری امپریالیستی موجود تنها با سرکوب خونین جنبش های اعتراضی است که امکان بقا مییابد باید ضمن طرح خواستهای صنفی دانشجویان و پیشبرد اعتراضات و مبارزات دانشجویی در این رابطه، مبارزات خود را در جهت سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و قطع کامل سلطه امپریالیستی از میهنمان سمت و سو دهند. در حال

کمبود خوابگاه معضل دانشجویان

از صفحه ۳۲

گرچه خود این سخنان با توجه به ماهیت رحمانی مزدور پرورشی مبین توحیبات ریاکارانه مسئول بسیج جمهوری اسلامی می باشد، اما بهتر است از اجیفرحمانی را با سخنان امام جمعه قم مقایسه نمائیم تا دروغگوئی و تناقضات سردمداران رژیم در این زمینه هرچه بیشتر برملا گردد. امام جمعه قم پس از سرکوب خونین دانشجویان پلی تکنیک، در مراسم نماز جمعه این شهر اعلام کرد: "حتی در صورت محق بودن، کسی حسق اجرای قانون بطور خودسرانه و بدون مراجعه به مقامات قضائی را ندارد" و به این وسیله تلویحا روشن نمود که وی ساختمان مزبور را برخلاف رحمانی متعلق به بسیج میدانند و در واقع این بسیج فدخلقی بوده است که پیش از این بطور "خودسرانه" و بدون مراجعه به "مقامات قضائی" آنرا تصاحب نموده است. با اینحال از نظر امام جمعه قم، اگرچه دانشجویان پلی تکنیک در تصرف آن ساختمان از نظر "قانون" "محق" بوده اند ولی به آنان در نحوه "اجرای قانون" ایراد وارد بوده است.

همانطور که ملاحظه شد سخنان فوق الذکر بخوبی تناقضات اظهارات سردمداران رژیم را در رابطه با مسئله مورد نظر نشان میدهد. تناقضاتی که خود انحصاری از تضادهای درونی سران رژیم میباشد.

حال لازم است نگاهی به واقعیتها بیافکنیم که اقدام اخیر دانشجویان پلی تکنیک بر زمینهای آن صورت گرفته است. واقعیت آنست که کمیبود خوابگاه دانشجویی همواره یکی از معضلات دانشجویان بوده است که در سالهای اخیر با توجه به ماهیت فداانقلابی جمهوری اسلامی و به اعتبار سیاستهای فدخلقی اش که تاکنون قدمی در جهت حل این معضل برنداشته است، ابعاد وسیعتری نیز یافته است.

در شرایطی که کمیبود مسکن به یکی از معضلات بزرگ جامعه تبدیل شده و بهای اجاره یک اتاق، آنقدر افزایش یافته که حتی در صورت پیدا شدن چنین اتاقی، کمتر دانشجویی توانائی پرداخت اجاره آنرا دارد و دانشجویان حتی با پذیرش تمامی کمیبودهای زندگی در یک اتاق اجاره ای نیز توانائی تهیه آنرا هر روز بیشتر از دست میدهند، مسئله وجود خوابگاه دانشجویی از اهمیت بزرگی برخوردار گشته و به یکی از خواسته های مهم دانشجویان تبدیل شده است. خواستی که همچون بقیه خواسته های برحق دانشجویان از سوی جمهوری اسلامی بی پاسخ مانده است.

اهمیت وجود خوابگاه برای دانشجویان و عدم پاسخگوئی رژیم به این مسئله، حتی باعث گردید که قلمزنان "تیزبین" رژیم در روزنامه کیهان هشدار دهند "این نکته بسیار مهم و حیاس بر همه تیزبینان روشن است که اگر مسئولان در انحصار

این مهم همچنان سستی کنند، عناصر نفوذی و مشکوک که بسا رسوخ در برخی محافل دانشجویی برای دانشگاهها خوابگاهها دیده اند، میدان عمل مناسبی خواهند یافت" و یا "ایمن دنگ جامعه ماست که دانشجویان دختر ما از داشتن یک خوابگاه مناسب و حتی نامناسب محروم باشند"

بلی بر چنین زمینهای بوده که تصرف ساختمان گویا متعلق به بسیج فدخلقی رژیم توسط دانشجویان پلی تکنیک در جهت دستیابی به خوابگاه و پاسخگوئی به یکی از نیازهای مبرم خویش صورت گرفت. هر چند که این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هر یک از سردمداران رژیم با توجه به تضادهای درونی خویش کوشیده اند از زمینه مذکور در جهت مطامع خویش بهره برداری نمایند.

در حال این واقعیتی است که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها به نیاز دانشجویان در رابطه با تهیه خوابگاه برای آنان پاسخ نداده و از زیر بار این وظیفه شانه خالی نموده است بلکه حتی خوابگاههایی را هم که از گذشته وجود داشته باطلیح این "نهادهای انقلابی" قرار داده است که دانشجویان را از داشتن خوابگاه محروم ساخته اند. و مشخصتر آنکه علیرغم نیاز شدید دانشجویان به خوابگاه و اوضاعی که در فوق شرح داده شد، سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی قصد دارند حتی بعضی از ساختمانهایی که در هر صورت در این سالها بعنوان خوابگاه در اختیار دانشجویان قرار داشته است را هم پس گرفته و با اعمال نفوذ در دستگاه قضائی با اصطلاح "حکم" تخلیه آنان را صادر و در اختیار ارگانهای قرار دهند که خود برای چپاول مردم سازمان داده اند!! در تشریح بیشتر این موضوع بی مناسبت نیست به دوشمونه اشاره نمائیم.

نمونه اول مربوط به کوششهای است که وزارت نفت صرف باز پس گیری ساختمان میخانه ای که هم اکنون در اراک بعنوان خوابگاه دانشجویی مورد استفاده دانشجویان قرار دارد. در این رابطه وزیر نفت رژیم در مجلس اعلام کرد "ساختمان مزبور به قیمت ۵۰ میلیون تومان برای استفاده کارشناسان خارجی شرکت نفت خریداری شد، اما به محض اینکه ساختمان خریداری شد، گروهی از دانشجویان حمله کردند و آنجا را گرفتند و هنوز هم در دست آنان است" و در ادامه سخنان خود میگوید "دانشجویان حتی حاضر نشدند نصف ساختمان فوق الذکر را به وزارت نفت تحویل دهند" بر این اساس روشن میشود که در آینده ای نه چندان دور وزارت نفت نیز قصد دارد با در دست گرفتن با اصطلاح حکم تخلیه، آن خوابگاه را به تصرف خود درآورد، و عده دیگری از دانشجویان را بیخانمان نماید.

نمونه دوم مربوط است به تصرف خوابگاه دانشجویان دختر دانشگاه تربیت معلم واقع در خیابان لاله زار تهران از سوی دانشگاه آزاد اسلامی که همگان میدانند که رفسنجانی یکی از سها مداران عمده آن میباشد، تصرف این خوابگاه در شرایطی صورت گرفت که بنا به گزارش کیهان در ساختمان مزبور "حدود ۱۶۷ دختر دانشجویی شهرستانی که فاقد هرگونه امکانات و محل مناسبی جهت اقامت هستند" سکونت داشتند. این

دانشجویان با شنیدن این امر که دانشگاه آزاد اسلامی بسه اعتبار سهامداری چون رفسنجانی قصد تصرف خوابگاه آنان را دارد، پرسیده‌اند "با اجرای حکم تخلیه این خوابگاه به کجا برویم".
لازم به توضیح است که تصرف خوابگاه مزبور توسط پلیس قضائی که علیرغم اعتراض دانشجویان به این امر صورت گرفت منجر به تحمیل دانشجویان دانشگاه تربیت معلم گردید.

با توجه به مطالب فوق روشن است که چگونه سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی و ارگانهای رنگارنگ این رژیم برای گسترش حوزه‌های نفوذ خویش بدون توجه به نیاز مفروض دانشجویان به خوابگاه به تصرف ساختمانهای میپردازند که هرچند "هیچگونه مناسبتی برای خوابگاه" هم نداشته باشند در هر حال تنها ساختمانهای مورد استفاده دانشجویان به مثابه خوابگاه میباشند. آخر سردمداران ریاکار رژیم آنقدر وقاحت دارند که در توجیه اعمال فداانقلابی خویش در حقیقت دانشجویان و اشغال خوابگاه‌های دانشجویی همچون رحمانی مسئول بسیج ضدخلقی اعلام کنند که "ساختمانی که دانشجویان پلیس تکنیک اشغال کرده‌اند، هیچگونه مناسبتی برای خوابگاه ندارد" و یا در مطبوعات خویش چنان تمویزی از یک خوابگاه دانشجویی ارائه دهند که هر خواننده‌ای با مطالعه مطالب مجاب‌گردد که برابری آن ساختمان مناسبتی با یک خوابگاه دانشجویی ندارد. پلیس مطبوعات رژیم خوابگاه دانشجویان دختر دانشگاه تربیت معلم را اینچنین ترسیم کرده‌اند: "زیر زمین این ساختمان چهار طبقه که فاقه هرگونه هواکشی و نور کافی است و سقف آن نیز یک مشروفتا دسانت است، بسه عنوان محل بکویت دانشجویان در نظر گرفته شده است. در اتاقهای زیرزمین کابل‌های برق و لوله‌های فاضلاب جلب نظر میکنند. همچنین ساکنان کشور هر اتاق که گاه تا ۱۴ نفر در یک اتاق می‌روند، امکان هرگونه آسایشی را از ساکنان آن سلب کرده است".

آیا چنین تمویزی از یک خوابگاه دانشجویی خود داغ‌ننگی بر پیشانی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیست چرا دانشجویان ما باید چنان در شرایط بی‌مسکنی و بی‌سربشاهی به سر ببرند که مکانی را که نه نور دارد و نه هواکش و حتی لوله‌های فاضلاب در آن تعبیه شده است، به مثابه خوابگاه مورد استفاده قرار دهند؟ و تازه سردمداران فاسد رژیم چشم دیدن چنین "خوابگاه" ای را هم برای دانشجویان نداشته و ریاکارانه تحت عنوان این ساختمان "مناسبتی برای خوابگاه ندارد" آنرا از دست دانشجویان خست‌نما بپندارند! پرسیدنی است که اگر سردمداران رژیم بدلیس مناسبت نبودن ساختمانهای مزبور برای خوابگاه به اشغال خوابگاه‌های دانشجویان پرداخته و یا از به اختیار گرفتن آن ساختمانها توسط دانشجویان مانع می‌نمایند (و البته

به سبک و روش رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با یورش وحشیانه به دانشجویان و سرکوب خواستهای برحقشان) آیا ساختمانهای بهتر که بواسطه جهت خوابگاه دانشجویی طرح ریزی شده‌باشند در اختیار آنان قرار میدهند؟ و یا به ازای هر ساختمانی که اشغال مینمایند، ساختمان دیگری، که بهر حال سربشاهی برای دانشجویان شمرده شود در اختیار آنان قرار میدهند؟! پاسخ منفی این سؤالات برای همه دانشجویان مبارز و آگاه روشن است.

با اینحال باید دانست که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم همه پاسنهای منفی‌ای که به خواستهای دانشجویان میدهند و علیرغم همه بی‌توجهی‌هایش به شرایط زندگی و آموزشی دانشجویان شدیداً مراقب است که بهر ترتیب ممکن از رشد مبارزات دانشجویان و ارتقا آگاهی آنان جلوگیری نماید. سرکوب خونین دانشجویان پلیس تکنیک و مقابله با تحصن دانشجویان تربیت معلم که پس از تخلیه این دانشگاه توسط عمال رژیم صورت گرفت در عین حال که بیانگر احتیاج دانشجویان به خوابگاه و اهمیت طرح این خواست در جنبش دانشجویی میباشد در همان حال نشان‌دهنده هراس و وحشت رژیم از اوج‌گیری اعتراضات دانشجویی و رشد مبارزات آنان میباشد. بیجوده نیست که در بسوجه جریانات فوق‌الذکر و آن "حادثه تلخ" نماینده مشهد در مجلس ضدخلقی بسه همپالنگی‌های خود هشدار داد: "ما باید بدانیم که حضرت امام خطاب به شورای انقلاب فرهنگی فرمودند، دانشگاه از امورات مهم است، هم برای ما، هم برای مردم برای ضد انقلاب".

براستی هم که دانشگاه از "امورات مهم" است اینسرا دانشجویان مبارز انقلابی در جریان مبارزات گذشته خلقهای ایران در دوران شاه به ارتجاع فهماندند - و مرتجعین دریا فتند که چگونه خلقهای ستمدیده ایران با تنها مبارزات تهرانانه دانشجویان - دانشگاه را سنگر آزادی نامیدند. بیشک مبارزات دانشجویی تا زمانیکه امپریالیسم و سگسان زنجیرش بر جامعه ما سیطره دارند هرگز خاموش نمیدانند و همچنان نقش انقلابی خویش را در پیشبرد مبارزات فلسفی ایفا خواهد نمود. حال این وظیفه بر دوش دانشجویان مبارز و انقلابی ما قرار دارد که در شرایط دیکتاتوریمپریالیستی موجود در شرایطی که رژیم ضدخلقی توانائی پاسنگوشی بسه هیچیک از خواستهای توده‌های ستمدیده ما و از جمله دانشجویان ما را نداشته و هر صدای اعتراضی را با گلوله پاسخ میدهد، در دفاع از آزادی و دیگر خواستهای برحق توده‌های در زنجیر ایران بار دیگر پرورش و مصمم بنمایند خیزند جایی که هر گونه آزادی و فریاد آزادیخواهی لگدمال مزدوران رژیم و مورد سرکوب وحشیانه آنان قرار میگیرد دانشجویان ما باید در تداوم راه شهدای ۱۶ آذر سال ۳۲ و اول اردیبهشت سال ۵۹، جنبش دانشجویی را در پیوند بسا جنبش‌ها امپریالیستی خلقهای ستمدیده‌مان همچون گذشته بسه درصحنه ۹

پیش‌پسوی تشکیل ارتش خلق

اعتصاب و درگیری در کارخانه جوراب آسیا

کارگران خشمگین به هادی غفاری و دارودسته اش بیورش برده و در جریان درگیری شدیدی که پیش آمد، هادی غفاری و دارودسته اش به شدت مضروب گردیده و کارگران در جریان درگیری حتی عیای او را بدور گردنش پیچیده و تا مسافتی او را در محوطه کارخانه بر روی زمین میکشند. تا جایی که هادی غفاری به غلط کردم گوئی سیافتد و آنگاه کارگران وی را نیز همانند تشکری مدیرعامل کارخانه، با خفت تمام از کارخانه بیرون میاندازند.

در حالیکه هادی غفاری بر اثر شدت جراحات وارده در بیمارستان بستری میگردد، کارگران برای رسیدن به خواسته هایشان به اعتصاب ادامه میدهند و اعلام میکنند که تا رسیدن به خواسته هایشان به سر کار باز نخواهند گشت.

یکبار چگی کارگران و عزم آنها در تداوم اعتصاب و استکس درگیری کارگران مبارز کارخانه جوراب آسیا با مدیرعامل و هادی غفاری و پاسدارانش، در سطح جامعه سرانجام هادی غفاری مسئول بنیاد الهادی را مجبور ساخت که با خفت و خواری، در مقابل کارگران عقب نشینی نموده و با تغییر مدیر عامل کارخانه موافقت نماید.

لازم به یادآوری است که مطبوعات رژیم، خبر عیادت گروهی از هادی غفاری در یکی از بیمارستانهای تهران را درج نمودند، البته بدون اینکه بنویسند هادی غفاری بر اثر ضربات کارگران رزمنده کارخانه جوراب آسیا در بیمارستان بستری گردیده است.

انتکاس این واقعه در سطح جامعه، روزنامه رسالت را واداشت تا برای لاپوشانی قدرت رزمنده کارگران، مسئله تعویض مدیرعامل کارخانه را درخواست انجمن اسلامی شورای اسلامی کارخانه مزبور و پذیرش این درخواست از سوی هادی غفاری - پس از استقفا کارگران به مدیرعامل سابق - جا زده و بدون اعلام اعتصاب و درگیری کارگران و دلایل آن، تنها با درج خبر کوتاهی در ۱۱ مهرماه اعلام کند که کارخانه جوراب آسیا با تغییر مدیرعامل به کار خود ادامه میدهد.

اعتصاب و درگیری کارگران مبارز کارخانه جوراب آسیا، یکبار دیگر قدرت رزمندگی طبقه کارگر را به عینت سرمایه داران زلوفت نشان داده و بار دیگر با وضوح ثابت نمود که زمانیکه کارگران بها خیزند و متحدان چرخهای تولید را از حرکت باز دارند، چه وحشتی سرمایه داران را فرا میگردد.

کارگران مبارز کارخانه جوراب آسیا (استارلایت سابق)، در پی تعدیات و فشارهای روزافزون صاحبان کارخانه و عدم پاسخگویی مدیرعامل کارخانه به درخواستهایشان، به یسک اعتراض دستجمعی صادر کردند.

در اوائل مهرماه، کارگران به خصوص در اعتراض به دریافت ۴٪ سود بابت قرض الحسنه پرداختی به کارگران، در سالن ناهارخوری کارخانه جمع شده و خواهان حضور مدیرعامل و ادای توضیحات او میشوند.

بدنبال تجمع کارگران در سالن غذاخوری، تشکری مدیرعامل کارخانه به همراه محافظ خود، بر اثر سر و صدای اعتراض کارگران در سالن حاضر شده ولی بجای توجه به اعتراضات کارگران و رسیدگی به درخواستهای برحق آنها، شروع به تهدید آنها و فحاشی بر علیه کارگران مینماید. فحاشی های مدیرعامل کارخانه، با اعتراض کارگران مواجه شده و گاهی صبر آنها را لبریز میکند. در نتیجه کارگران بطور یکباره بسوی او حمله نموده و پس از آنکه او و محافظش را حسابی گوشمالی میدهند، جناب مدیرعامل را به طرز رقت باری از کارخانه بیرون میاندازند و با اعلام اعتصاب، خواهان رسیدگی به خواسته هایشان که حال تغییر مدیرعامل کارخانه نیز به آنها افزوده شده بود، میگرددند.

از آنجا که کارخانه جوراب آسیا یعنی همان کارخانه استارلایت سابق، جزء بنیاد الهادی میباشد که تحت مسئولیت هادی غفاری این رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اداره میگردد، و از آنجا که تشکری مدیرعامل کارخانه نیز از ایادی هادی غفاری بوده که به اعتبار برخسورده های ضدکارگری از سوی غفاری به این سمت برگزیده شده بود، روز بعد هادی غفاری به همراه پاسداران مسلحش به کارخانه میآیند.

هادی غفاری در اجتماع کارگران، بجای پذیرش خواسته های عادلانه آنها که تعویض تشکری نیز از جمله آنها بود، به دفاع از تشکری پرداخته و شروع به فحاشی نسبت به کارگران نموده و ضمن تهدید آنها که باید به سر کار برگردند خطاب به کارگران میگوید اگر به اعتراضات خود ادامه دهید "سرب داغ در گلوهایتان خواهم ریخت" و در ادامه تهدیدهایش اضافه میکند که دستور میدهم: "در همینجاست اعدایمان کنند".

اراجیف و فحاشی های هادی غفاری، با اعتراض کارگران مواجه گشته و باعث تشدید خشم و انزجار آنها میگردد و کارگران خشمگین و بجان آمده را وایدارد که همچون تشکری، درس فراموش نشدنی ای نیز به هادی غفاری بدهند. در نتیجه



توضیحات

"برای کارگران جهان"

چه کسی از من خوشبخت تر است ؟
آسمانی دارم بسیار وسیع ، با هوایی مطبوع
- لاجوردین است و چشم نواز -
چشم اندازی دارم پر دریاگی پر ماهی
همه شان مال منند !
خانه ای دارم تابستانی و فراخ
و تراسی رو به سوی مغرب -
که تماشاگاه خورشید من است
خانه ای هم دارم که زمستانی است
این یکی حرف ندارد دیگر
سر و گارم همه با اعیان است
مردمانی را می شناسم شروتمند
همه شان ، همچون من
خانه هائی اشرافی دارند
شغلهائی بسیار مهم در دولت
نوکرانی دست بر سینه و آماده خدمت دارند
ماشین هائی بسیار گران قیمت دارند
و حسابهای بسیار بسیار کلان در بانکها
می شناسم من همه اینها را
+ + +
برده دیگر خوشبختی هایم اینها هستند
- خوب دقت کنید -
کارگر بودم در سعدن من در کرمان
سالها هست که از سرفه سل در رنجم
کمرم هم دیسک آورده است

دستهایم میسوزد
 نور چشمم هم کم شده است
 کودکانی دارم بسیار عزیز
 همه شان گور و گر و لال و شلخند
 و نمیدانند که مدرسه چیست
 و نمیدانند که بیفتنگ چیست
 و نمیدانند که پُفنگ -
 خوردنی است یا که خود جن و پری
 یا همه نوع بیماری هم آشنا هستند
 خرجشان هم بسیار کم است
 این یکی اعظم خوشبختیهاست
 شغل بسیار مهمی دارم
 من در این وانفسای بیکاری
 بین این خیل عظیم بیکار
 که به آن ارتش بیکاران میگویند
 پس از آنی که از معدن من رانده شدم
 شغل خوبی گیر آوردم
 روی آشفالستان میگردم هر روزه
 تا که نانی یافته -
 کودکانم را از مرگ رهایی بدهم .
 کور باد دیده تنگی که به خوشبختی من رشک برد!
 پرده کامل خوشبختیهایم را باید -
 به قابستان برد
 و از آن پوستری ساخت
 روی بام یک فابریک آوبخت
 و به دیوگان گفت :
 من حقوقم بسیار زیاد است آقایان
 سر پیری -
 این همه پول به چه کارم میآید!!

روانه میکنند .

در دیدار با مهدوی کنی و نمایندگان معلولین با تشریح وضع نابسامان خویش و با تاکید بر اینکه آنها در جریان جنگی که رژیم سالها آنها را «جهاد» مینامید ، بخشی از اعضای بدن خود را از دست داده اند از او میخواهند که قرار مزبور را لغو و از تعطیل آسایشگاه آنها که تنها بناهنگام محل زندگیشان میباشد جلوگیری نماید . اما مهدوی کنی جنایتکار علیرغم تمامی تاکیدات معلولین ، از پذیرش درخواست طبیعی آنها سرانجام چندی بعد با صدور بیان جنایتکار جمهوری اسلامی برای اجرای قرار رژیم مبنی بر تعطیل آسایشگاههای معلولین در تهران به آسایشگاه فوق رفته و از معلولین میخواهند که ساختمان مزبور را تخلیه نمایند . معلولین در برابر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بسته مقاومت پرداخته و از تخلیه ساختمان خودداری مینمایند . در نتیجه با صدور بیان به معلولین جنگ ایران و عراق آموزش برده و تصمیم میگیرند به اجبار آنها را از ساختمان مزبور خارج سازند ، به همین دلیل درگیری بین معلولین جنگی و با صدور بیان روی میدهد . در این هنگام در شرایطی که با صدور بیان جمهوری اسلامی با قسوت تمام در حال ضرب و شتم معلولین بودند ، یکی از آنها از فرصت استفاده کرده و موضوع درگیری را از طریق تلغراف به پلیس اطلاع میدهد .

پلیس دخالتی در تهران نیز بعد از مدتی وارد قضیه نمیشود ، اما با صدور بیان به آنها میگویند که حق دخالت در مسئله را ندارند و پلیس نیز بنا به ماهیت سرکوبگرانه خویش در قضیه دخالت نکرده و دست با صدور بیان را در ضرب و شتم معلولین باز میگذارد . سرانجام با صدور بیان معلولین آسایشگاه مزبور را با صندلیهای چرخدارشان به طرز فحشیم به ماشینهای خود منتقل کرده و آنها را از ساختمان مزبور خارج میسازند .

در همین راه ، و در سریکی از چهارراهها یکی از معلولین از فرصت استفاده کرده و با صندلی چرخدارش خود را از ماشین با صدور بیان بیسرون انداخته و شروع به داد و فریاد و استمداد از اهالی مینماید . این امر باعث تجمع عابریین گفته و آنها در اعتراض به با صدور بیان میگویند که این بیچاره ها را اولسان کنید مگر آنها چه کرده اند ؟ اما با صدور بیان جمعیت را با تهدید به اسلحه پراکنده ساخته و میگویند اینها دیوانه اند و

درباره ضرب و شتم معلولین جنگی در تهران

یکی از نتایج هفتتک جنگ امپریالیستی ایران عراق وجود هزاران انسانی است که در میدانهای این جنگ ارتجاعی بخشی از بدن خود را از دست داده و ناقص العضو و معلول گفته اند . اینها که بخشی از قربانیان جنگ بوده و معلولین جنگی نامیده میشوند ، در حالیکه سلامتی خود را از دست داده و همچون گنفته توانائی تامین معاش خود را ندارند در سطح جامعه پراکنده بوده و در شرایط بی همتا کسب زندگی میکنند و رژیم ددمنش جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد مردمی خویش تمامی تبلیغات فریبکارانه ای که در رابطه با ضرورت رسیدگی به زندگی آنها به راه میاندازد بدون پذیرش هیچگونه مسئولیتی در این رابطه آنها را به دست سرنوشت سپرده است . این رژیم اگر در طول جنگ به دلیل حفظ روحیه نیروهای در جبهه ها و ایجاد خوراک برای دستگاههای تبلیغاتی خود عده ای از آنها را در معدود آسایشگاههای موجود زیر پوشش قرار داده بود حال با پایان یافتن جنگ پیشروانه قصد دارد همین تعداد محدود را نیز به امان خود برها کرده تا به اطلاع در هزینه های دولتی صرفه جوئی کرده باشد . در همین رابطه اخیرا مقامات رژیم دستور داده اند که تمامی آسایشگاههای معلولین در تهران به دلیل هزینه های گزاف اداره آنها باید تعطیل و ساختمان آنها برای امور دیگری مورد استفاده قرار گیرد . مسلم است که این تصمیم ارتجاعی و ضد انقلابی و اقدامات ددمنفانه ناشی از آن موجب انزجار و نفرت معلولین جنگی مستقر در آسایشگاهها از رژیم جمهوری اسلامی گفته و خشم و نفرت آنان را برانگیزد . آنچه در زیر میخوانید گزارش برخورد اعتراضی معلولین یکی از آسایشگاههای تهران در این رابطه میباشد .

معلولین یکی از آسایشگاههای تهران به محض اطلاع از تصمیم مقامات رژیم مبنی بر تعطیلی آسایشگاهشان به اعتراض پرداخته و دو نفر را به عنوان نماینده خود انتخاب و برای ملاقات با مهدوی کنی که مسئولیت این آسایشگاهها را دارد

رسالت

۲۰ شهریور ۱۳۶۸

نگه ها و گفته ها

مشکل مسکن سیل زدگان سیستان را حل کنید

زابل - خبرنگار رسالت: با گذشت ۵ ماه از طغیان رودخانه هیرکان در منطقه سیستان که باعث آوارگی ۲۲ هزار نفر و تخریب ۴ هزار و ۳۰۰ خانه شده تاکنون دولت موقت به ساختن خانه های تخریب شده محرومان روستاهای زابل نشده است

خبر خوب حسین اسپیری یکی دیگر از روستاییان اظهار می دارد: پنج ماه از وقوع جاری شدن سیل می گذرد ولی تاکنون هیچ بنیادی که فقط می گفتم بعضی از خانه ها انجام شده و می دانیم که بنیاد مسکن فقط نقشه و سیمان را می دهد. آب ساختمان سازی را از راه دور خودمان تهیه می کنیم و کار هم از خودمان است ولی این طرز که معلوم می شود تا همین جا بیشتر کار نخواهد شد و خدا می داند وضع ما با برهنه ها و محرومین که جز خدا هیچ کس را نداریم در سیستان چه خواهد شد؟

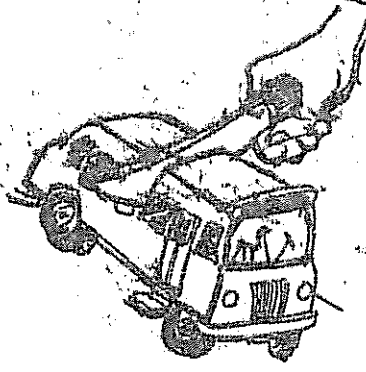
صورت فله هشتاد و پنج تومان هزینه برمی دارد و در موقع استفاده به جلت این که فله است نصف آن

زمان فالگیر

تیسران را قهری... تهران - خبرگزاری... اکثر ضابطی تبلیغ زهرانه این روزها شاهد حضور زانی است که به فالگیری می پردازند و آینه را برای غایبین پستی می کنند این زنان غالباً از اهالی شهرهای شرقی ایران نظیر شهرهای استان خراسان هستند.

پارسی دیگر... پاره های استان تهران... در صورتی که آنها قادر به گشت زدن نخواهند بود... در صورتی که آنها قادر به گشت زدن نخواهند بود... در صورتی که آنها قادر به گشت زدن نخواهند بود...

در صورتی که آنها قادر به گشت زدن نخواهند بود... در صورتی که آنها قادر به گشت زدن نخواهند بود... در صورتی که آنها قادر به گشت زدن نخواهند بود...



داشتند... پس از اینکه از دریا شناسنامه تا آمدند... زان گاه مصوم شدم... تکلیف شناسنامه چسبی شد... آنجا متوجه شدم که شناسنامه... هر تاریخ ۲۲/۱... مناطق کیت احمد تهران

۸ ماه سرگردانی برای المان عکس به شناسنامه

کیهان

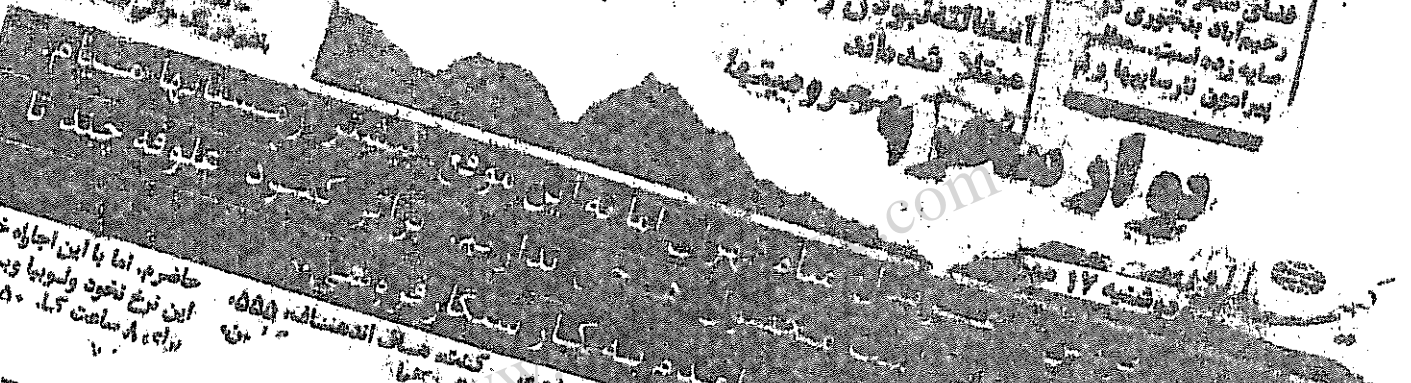
شماره ۱۳ آبان ۱۳۴۸

توسط ماهوران کلاسیک ۶۶ پلیس تهران،
خوگیف ردای حرفه‌ای، صبح امروز
برای تهیه شدن در مسیر چند
خیابان تهران گرفتار شده‌اند.

خبرآباد در چهار یکمتری میان خیابان اسفند با
و خیابان نهر جیحون در میان خیابان اسفند و خیابان
اسفند و خیابان نهر جیحون در میان خیابان اسفند و خیابان
تمام و زینت‌های زیاده‌از حد
شده که نیز از این جهت
منطقه مخصوص از
آوان تا امنیت
می‌گردد منظور شد
و نیز، ظاهر و زینت
فشان منجر از
و غیره آن بدستوری
سایه زده است. منظور
برآمده از سایرها و

اسفند نبودن راهها به بیماری سالک
مبتلا شده‌اند
بیماری سالک

بسیار شایع است
در تمام مناطق
کشور و به خصوص
در مناطق سردسیر
و کوهستانی
که در این مناطق
به دلیل کمبود
بیماری سالک
بسیار شایع است



چهارم آبان ۱۳۴۸
تولید شده در تهران
تولید شده در تهران
تولید شده در تهران

اطلاعات
اطلاعات
اطلاعات

اطلاعات
اطلاعات
اطلاعات

اطلاعات
اطلاعات
اطلاعات

گزیده‌هایی از رادیو صدای چریکها

۱۱ ورنگستی جمهوری اسلامی

در نقض حقوق بشر در ایران و

تلاشهای مذبوحانه رژیم

۶۸/۹/۶

در شرایطی که کوس رسوائی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، در شکنجه و سلاخی کردن زندانیان سیاسی تهران بیش از هر زمان دیگر در افکار عمومی بین المللی نواخته شده است، و در حالی که سیلاب خون پاکترین فرزندان انقلابی خلق از سیاهالیهای قرون وسطای این رژیم بطور روزمره همچنان جاری است، سردمداران جمهوری اسلامی برای لاپوشانی چهره جنایتکار خویش به شگرد تبلیغاتی جدیدی متوسل شده اند.

در همین رابطه در حالی که این روزها در گزارش سالانه سازمان ملل بار دیگر به بخش کوچکی از نقض جنایتکارانه ابتدائی ترین حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی اعتراض گذشته، کمال خسرازی نماینده رژیم در سازمان ملل، طسسی نامه ای خواستار بازدید ما موران کمیته حقوق بشر سازمان ملل از ایران شده است. البته در این دعوت نامه، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به هیچ تاریخ معینی برای عملی نمودن این بازدید اشاره نکرده است، اما نکته قابل تأمل اینجاست که رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی به این اقدام دست یازیده است که تاکنون در طول سالها به انحاء

در صفحه ۲۲

درباره پرداخت

۷۰۷ میلیون دلار از سوی

آمریکا به جمهوری اسلامی

۶۸/۸/۲۲

طی روزهای اخیر مساله بازپرداخت بیش از نیم میلیارد دلار از داراییهای توده‌های محروم ما از سوی امپریالیسم آمریکا به جمهوری اسلامی، به یکی دیگر از سوژه‌های تبلیغاتی امپریالیستها و بنگناهای خبر براکنشیان تبدیل شده است. مبلغ مزبور بخش گس-وچکسی از میلیاردها دلار مایملک شناخته شده خلقهای تحت‌تحم ما است که سالهاست از سوی امپریالیسم آمریکا بلوکه گردیده و جریان دعای مربوط به آن به دادگسار بین المللی لاهه ارجاع شده است.

ظرف چند سال گذشته امپریالیسم آمریکا در این دادگاه و به برکست حاکمیت رژیم مزدور جمهوری اسلامی، موفق شده که غصب مبالغ هنگفتی از داراییهای توده‌های زحمتکش ما را به نفع خویش بتدریج قانونیت بخشد. به شکلی که در جریان به اصطلاح حل و فصل دعای مختلف بین ارباب و نوکر در این مرجع، بر سر داراییهای مسلم خلقهای تحت‌تحم ما، در مورد متعددی جمهوری اسلامی قبول نموده که بخشهایی از حقوق توده‌های محروم ما را به نفع آمریکا به تاراج دهد، اما اخیراً در یک مورد از دعای مزبور امپریالیسم

در صفحه ۲۵

۱۳ آبان

روز دانش آموز

گرامی باد!

۶۸/۸/۱۳

۱۳ آبان، روز دانش آموز یادآور از جان گذشتگیها، رشادتها، قهرمانیها و حماسه خونین هزاران تن از دانش-آموزان مبارز میهنمان در سال ۵۷ سپید شد. ۱۳ آبان اوج همبستگی جنبش دانش‌آموزان با مبارزات انقلابی توده‌های کارگر و سایر اقشار تحت‌تحم میهنمان بر علیه رژیم شاه است. در این روز دانش‌آموزان مبارز ما مدارس را به سنگرهای علمی علیه سیاستهای سرکوبگرانه و امپریالیستی مزدوران شاه تبدیل نمودند و هنگام با توده‌های رزمنده مسا با مشتای گره کرده به خیابانها آمدند و با سردادن شعار مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر شاه کینه و نفرت بی‌پایان خود را از سگان زنجیری امپریالیسم و سلطه اهریمنی امپریالیستها بر میهنمان نشان دادند. اما هنگامی که دانش‌آموزان مبارز ما در جریان تظاهرات خویش به سوی دانشگاه تهران حرکت کردند، مزدوران رژیم شاه وحشیانه آنها را با سلاحهای آمریکائی خود به گلوله بستند و با به شهادت رساندن و زخمی نمودن صدها تن از دانش‌آموزان ما بار دیگر خیابانهای تهران را از خون دانش-آموزان رنگین کردند.

در صفحه ۲۵

توده‌های غمگین ما با بسرو روی دست گرفتن پیگرهای خونین فرزندستان انقلابی‌شان با خشم و کینگی دو جنس‌دان نمیبست به رژیم جلاد پهلوی به تظاهرات انقلابی خود گسترش هرچه بیشتری بخشیدند چنانکه فردای همان روز شاه جلاد ایسن مزدور کشیفا امپریالیستها با قیافه‌ای وحشت زده و دستانی لوزان در تلویزیون ظاهر شد و گفت: "من هم صدای انقلاب شما را شنیدم."

با رشد جنبش توده‌ای به‌سنداز ۱۳ آبان دولت ریاکار و سرکسوسوبگسسر شریف‌امامی سقوط کرد و دولت نظامی از هاری بر سرکار آمد تا با توسل بسه تشدید اعمال سرکوبگرانه در مقابل گسترش روزافزون جنبش انقلابی توده‌ها مانع ایجاد نماید ولی انقسلاب شد امپریالیستی خلقهای تحت سلطه مسا قدرتمندتر از آن بود که امپریالیستها و سگهای زنجیریشان بتوانند به ایسن آساننها خاموش کنند. با رشد و گسترش مبارزات توده‌ها جهت براندازی سلطه امپریالیزم پیوند جنبش دانش‌آموزی و مبارزات خلقهای زحمتکش نیز عمق و غنای هرچه بیشتری یافته تا جاییکه در مقطع قیام که دانش‌آموزان مبارز مسا بسا شوری انقلابی چه در ساختن گورگخل مولوتف و برپا کردن سنگرهای خیابانی و چه در حمله به سراکز ظلم و ستم امپریالیستی همچون پادگانها و کلانتریها و غیره فعالانه و پر شور شرکت میکردند، یکبار دیگر پیوند بین مبارزات دانش‌آموزان و توده‌های کارگر و زحمتکش به نمایش گذاشته شد. در این میان امپریالیستها ناتوان از مهار مبارزات توده‌ها به سیاست محیلانهای دست‌بازیدند و فریبکارانه دست‌به‌یارگیری جدیدی زده و جمهوری اسلامی را بجای رژیم شاه بر مسند قدرت نشانند تا بدین طریق اسکا تا ت بیشتر برای سرکوب انقلاب و حفظ منافع و نظام جا براندشان بدست آورند.

توده‌های مبارز در صفوف مقدم نپسرد قرار داشتند را نیز با به جوخه‌های تیرباران سپرد و با راهی سیا هچانه‌های خود کرد.

اینها شماسی کلی از عملکرد رژیمهای وابسته به امپریالیزم شاه و جمهوری اسلامی در مقابل نضج و گسترش و رشد جنبش انقلابی میهنمان سنجیده جنبش دانش‌آموزی است و براساسی که جمهوری اسلامی در این راه از هیچ جناحیتسی روی گردانی نکرده و نمیکند. امسال دانش‌آموزان میهنمان در شرایطی خا طره شهدای ۱۳ آبان را گواهی میدارند که مدارس تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در یکی از خلفان با شرین شرایط خسود قرار دارند. جمهوری اسلامی با گسترش سلطه امپریالیستی خویش در مسندارس همچون گذشتند به تقویت اهرمهای سرکوبگرانه خود مشغول بوده و با وسعت بخشیدن به سلطه خود در مسندارس، فضای تیره و مشتقی را بر دانش‌آموزان ما تحمیل نموده است. امروز دانش‌ فشار و آزار و اذیت ارگانه‌های رنگارنگ رژیم در مدارس از جمله انحصاری اسلامی، مسلمان امور تربیتی و دستگانه‌های گوناگون تفتیش عقاید در مدارس تراسار دارند. اما وجود همین وضع وظایف سنگین تری را بر روی دوش دانش‌آموزان مبارز به عنوان ادا مدهندگان راه شهدای ۱۳ آبانها قرار میدهد. دانش‌آموزان مبارز ما باید با عدم تمکین به شرایط خفت‌بار حاکمیت مدارس، با بهره‌جویی از هر امکسان مبارزاتی، در مقابل تحکیم دیکتاتوری امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی در مدارس مقاومت نمایند. دانش‌آموزان مبارز ما میبایست ضمن اعتراض برعلیه عمکردها و سیاستهای ضد خلقی رژیم و افشای این سیاستها خود را بسرای برداشتن گامهای بزرگتری در میهنارزه برعلیه رژیم جمهوری اسلامی و بسرای سرنگونی این رژیم آماده سازند.

دوران رسیده امپریالیزم بین‌سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و در راس آنها خمینی معذوم، غیلی زود برای توده‌های آگاه روشن شد که دارودسته جدید نیز وظیفه‌ای جز به انحراف کشیدن و کنترل مبارزات جاری توده‌ها برعلیه نظام امپریالیستی ندارند و دیسری نکشید که دم غروس از زیر عیای ملاهای ریاکار بیرون زد. رژیم جمهوری اسلامی با لشکرکشی به کردستان و سرکسوس مبارزات توده‌های مبارز ما در سراسر کشور با وضوح تمام روشن ساخت که در مقابل مبارزات روبه‌رشد انقلابی توده‌ها همان راهی را میسرود که رژیم وابسته شاه پیش گرفته بود. توده‌های مبارز و دانش‌آموزان آگاه با اتکا به تجربیات و آگاهی انقلابی‌شان به تدریج پی بردند که رژیم جمهوری اسلامی همچون رژیم شاه رژیم وابسته به امپریالیزم است. چراکه این رژیم در دندش نه تنها به اتکا گوناگوسون در تلاش برای حفظ سلطه امپریالیزم بسود بلکه جناحیتگرانه به سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی آنها نیز میپرداخت تا در پناه آن هرچه بیشتر نظام سرمایه‌داری وابسته را از زیر موج خروشان مبارزات توده‌ها محفوظ نگه دارد. در این میان دانش‌آموزان پرشور و انقلابی مسا در مدارس همچون سایر جاها از همان بسدو حاکمیت رژیم جدید به جای ارگانه‌های سرکوبگر شاه انحصاری اسلامی و شورا‌های دست‌ساز مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را در مقابل خود دیدند. آنها در مقابل فشاری بر روی خواسته‌های برحقشان در مدارس مشحله فعالیتت سیاسی با ترفند عدم امکان فعالیتت سیاسی در مدارس و اخراج از مدارس از سوی مزدوران رژیم مواجه گشته و با لاف در تدویم این روند بود که رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی از ۳۰ خرداد به بعد با روی آوری به سرکوب عربیان و سازمان یافته و کشتار بی‌ما بقه توده‌ها، هزاران تن از دانش‌آموزان و دانشجویان مبارز ما که همپای سایر

جاودان باد خاطرۀ تمامی شهدای بخون خفته خلق!

جمهوری اسلامی ضد خلقی در مقابله با راه سرخ آنها بسیاری دیگر از دانش آموزان مبارز را به خاک و خون کشید، شهدائی که ایمان داشتند که در مبارزات انقلابی توده های تحت ستم ما بر علیه امپریالیزم، پیروزی از آن توده های ما متحد و مسلح ما خواهد بود و در ایمن راه از نثار خون خویش دریغ نوزیدند، بار دیگر بر پیوند ناگسستنی مبارزات دانش آموزان انقلابی با مبارزات طبقه کارگر تاکید میورد.



درباره پرداخت ۵۶۷ میلیون دلار از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی

گروگانهای آمریکایی در لبنان نحمیدانند. بنابراین همانطوریکه مشاهده میشود امپریالیزم آمریکا و رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی هر یک به شکلی میگویند که به کارگران و زحمتکشان ما بقبولانند که اولاً امپریالیزم آمریکا میخواهد با پرداخت این مبلغ به رژیم "فدائیه" جمهوری اسلامی بسرای آزادی گروگانهای آمریکا بی باج بدهد، و جمهوری اسلامی به اصطلاح فساد امپریالیست هم برای این کار بساج بیشتری میخواهد. اما برای اینکه چوچی این مدعا و کذب محض این تبلیغات عوامفریبانه روشن شود احتیاج بسسه کوشش زیادی نیست. اولاً تجربه سالها حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی به توده های تحت ستم ما بروشنی آموخته است که اصولاً این رژیم محصول سیاستهای نواستعماری امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیزم آمریکا در منطقه و بیمن دست سلطه ما است.

ثانیاً ما به گرات برای توده های LST توضیح دادیم که سیاستها بی را که جمهوری اسلامی در سطح منطقه به پیش میبرد، همچون سیاستهای این رژیم در داخل جامعه تحت سلطه ما، نه تنها کوجکترین تعارضی با منافع امپریالیستها و بالخصوص آمریکا ندارد بلکه اتفاقاً در آن راستا برنامه ریزی شده است. بسرای نمونه نگاهی به نقش فسطی جمهوری اسلامی در لبنان به روشنی بیانگر حقیقت فوق است.

اگر جوهر و چکیده سیاست امپریالیزم آمریکا در لبنان، سرکوب جنبش فلسطین و لبنان و بد اخرا فکشاندن مسیر مبارزه عادلانه این خلقها از طریق ایجاد جریان ارتجاعی و تقویت موضع جریانها سازشکار و دولتهای سرکوبگر منطقه در جهت تحکیم سلطه خود و... میباشد، نتیجه سالها نقش آفرینی رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی در این منطقه جز انجام وظیفه برای خدمت به این اهداف و منافع نبوده و نیست. همه میدانند که حضور گسترده و فعالیتها بی صادران جمهوری اسلامی و دارودسته های سیاسی خفته ای نظیر حزب الله و اصل که امپریالیزم آمریکا فعلاً از گانالها بی نظیر جمهوری اسلامی

تبلیغات فوق میگوید که این پیشنهاد اشراقی را در میان توده ها اشاعه دهد که رژیم مزدور جمهوری اسلامی رژیمی مستقل و فدا امپریالیست است و پرداخت مبلغ فوق از سوی آمریکا به این رژیم، با هدف کمک جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان صورت گرفته است. در چهارچوب چنین اهدافی هم بود که بوش بلافاصله پس از اعلام پرداخت این پول به جمهوری اسلامی، در یک کنفرانس خبری عنوان کرد که نحمیدانند: "ما موافقت اخیر آمریکا باعث کمک ایران به اقدامات مربوط به رها بی گروگانها خواهد شد یا نه" و اظهار امیدواری کرد که ایران از نفوذ خود در میان گروههای طرفدارش که گروگانها را در اختیار دارند برای رهایی گروگانها استفاده کند. همچنین جمهوری اسلامی ضد خلقی نیز برای اینکه از ایفای نقش خویش در کارزار فوق به منظور تحمیل توده های صورت ما عقب نمائند از زمان روزی نامه تهران تایمز خویش اعلام کرد که: پرداخت مبلغ فوق از سوی آمریکا را هنوز گام لازم در راه ترغیب جمهوری اسلامی برای آزاد کس...

دانش آموزان ما باید در انجام ایسن امر شریک همچون گذشته تمامی پتانسیل خویش را به کار بندند و رژیم را در رسیدن به اهداف سرکوبگرانه اش با شکست روبرو سازند بدون شک مبارزات شما دانش آموزان مبارز همگام و همصدا با مبارزات توده ها نوید بخش تحقق اهداف شهدای ۱۳ آبان و آینده روشنی برای توده های ستمدیده ما است.

صدای چریکها ضمن بزرگداشت مجدد این روز و گرامیداشت خاطره شهدای ۱۳ آبان، شهدائی که خون پاکشان به دست رژیم جلاد شاه به زمین ریخته شد و

از صفحه ۱۸

آمریکا موافقت کرده که مبلغ ۵۶۷ میلیون دلار به ایران پرداخت کند. البته بدون آنکه این مورد از سوی جمهوری اسلامی در دادگاه لاهه پیگیری و از سوی این ارگان حکمی صادر گردد. به عبارت دیگر معامله بر سر مبلغ فوق بین آمریکا و جمهوری اسلامی، خارج از دادگاه به اصطلاح حل و فصل گشته است. انهم در شرایطی که بسر اساس گزارش خبرگزاریها در صورتیکه این دعوی نیز از طریق دادگاه حل و فصل میشد، آمریکا میبایست مبلغ خیالسی بیشتری بپردازد. اما همانطوریکه اشاره رفت اعلام این معامله فرست جدیدی به پیش آورد تا بلندگوهایی امپریالیستی موج جدیدی از کسارزار تبلیغاتی فریبکارانه را بر علیه خلقهای محروم ما سازماندهی کنند. آنها پرداخت مبلغ فوق را که بخششی از دارائیهای مسلم توده های ما است، مستمسکی ساختند تا با توسل به آن چهره گویه و سرسپرده رژیم جمهوری اسلامی را تزیین و واقعیت رابطه ارباب و نوکری بین آمریکا و این رژیم را بار دیگر مستور سازند.

جمهوری اسلامی و اربابان آمریکا شیش پایمال میگردد، همانا حقوق عادلانه و خیالگ هنگفتی از دارائیهای مسلم شده‌های تحت ستم و محروم ماست. اما برای اینکه چنین تجاوزگری آشکاری از سوی آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی برعلیه خلقهای ما لاپوشانی گردد، اربابونوکر هردو در تبلیغاتشان اینطور وانمود میکنند که ظاهراً آمریکا میلیتی را به جمهوری اسلامی در ازای کمک این رژیم برای آزادی گروگانها پرداخت کرده است. به این ترتیب از یکسو منافسع سرشاری به جیب "مدنیان آمریکا" طوف حساب جمهوری اسلامی میرود و هم‌جمهوری اسلامی غدخلقین بنا به ماهیت وابسته‌اش از حقوق شناخته شده خلقهای محروم مسلمان چشمپوشی میکنند و بالاخره در طول تمامی این مضحکه نیز رژیم مزدور جمهوری اسلامی، ضمن آنکه از سوی دیگر پرداخت این مبلغ از طرف آمریکا در خارج از دنگاه به‌سگان زنجیری امپریالیسم در ایران آنان را در لحظه فعلی در سروسامان دادن به اوضاع آشفته و ورشکسته رژیمشان و رفع جزئی از مشکلات عدیده و کم‌رشدگین اقتصادیشان تا حدودی یاری میدهد.

اینها برخی از نتایج عملی حاصل شما پیش با صلاح خدا امپریالیستی است که آمریکا و جمهوری اسلامی آنرا برعلیه خلقهای ما به صحنه آورده‌اند. اما بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیست‌ها نخواهند توانست با این کارزار بسط تحمیق توده‌های تحت ستم و آگاه مسلمانان موفقی گردند. چراکه این شما اینها نظیر که شرح رفت در بطن خود اتفاقاً یکبار دیگر ما هیئت فریبکاران شبه‌تالیفات امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور جمهوری اسلامی را در نزد خلقهای ما روشن میکنند و پیرده از سرسپردگی و رابطه دیرینه جمهوری اسلامی با آمریکا، برمیآورد.

این سوال باسخی ساده و روشن میدهد، وی در برابر اعتراض برخی از نمایندگان آمریکا میگوید: "رضایت ما برای انتقال مبلغ ۵۶۷ میلیون دلار به ایران از این حساب‌گاملاً قابل توجیه است. چسبون دنیاوی مربوط به این حساب‌گاملاً تمفیه شده است و بنا براین با انتقال این مبلغ هیچ مدعی آمریکائی زبان نخواهد دید، اگر ما تممیم می‌گرفتیم که این قضیه را از مجاری حقوقی دنبال کنیم فقط موفقیت می‌شدیم انتقال این مبلغ را به ایران بعهده شاخیر اشکنیم. به جای این کار ما در مصارف پرهزینه دعوا و محاکمه، صرفه جویی کردیم و به نتیجه‌ای رسیدیم که به سود مدنیان آمریکائی است."

بواقع هم که حسابگری بورژوازی اینان صحیح میباشد، چراکه در مسورد مزبور، برخلاف بسیاری دیگر از موارد مالی مورد اختلاف، با هر شیشی دادگاه بین‌المللی لاهه محبور بود حق را به جمهوری اسلامی بدهد و اگر این مسئله در چارچوب دادگاه بررسی می‌شد بنا به عقراف خودمقا مسلمات آمریکا حتی می‌بایست سلبی بیشتر به جمهوری اسلامی پرداخت می‌شد. چه، اصل مبلغ مورد دعوا در این رابطه ۸۱۰ میلیون دلار بود. اما امپریالیسم آمریکائی و جمهوری اسلامی توافق کردند که رژیم جمهوری اسلامی ۵۶۷ میلیون دلار از این مبلغ را دریافت کند و ۲۴۳ میلیون دلار باقیمانده از حقوق غصب شده خلقهای ما نیز با توافق جمهوری اسلامی به بیسک حساب تضمینی دیگر ریخته شود و از آن برای پرداخت دعوی حل و فصل شده بیسن در طرف استفاده گردد!

بله این است بیکی از آن منافسع واقعی که باعث پرداخت مبلغ فوق از سوی امپریالیستهای آمریکائی در روزهای اخیر به جمهوری اسلامی شد. جالب توجه اینجاست که دو ماه پیش نیز در مسورد دعوی شرکت ملی نفت ایران برعلیه بیسن شرکت نفت آمریکا می‌شدند که میسزان آن ۷۵۰ میلیون دلار بود، جمهوری اسلامی تقبل نمود که با دریافت تنها ۳۲۵ میلیون دلار از ادانه تعقیب پرونده ۷۵۰ میلیون دلاری خود علیه شرکت مزبور صرفنظر کند.

وبه این ترتیب روشن میگردد که در واقع آنچه که در این اتفاقات توسط

استغذیه و اداره آنها را انجام میدهد، در لبنان در طول سالها نتیجه‌ای بغیر از تضعیف و سرکوب جنبش انقلابی در این خطه، کوشش برای به انحراف بردن مسیر آنها، تشنج فریضی در خدمت به منافع امپریالیستها و غیره و غیره نداشته و ندارد. و اتفاقاً در چنین چارچوبی و در حالیکه لبنان در طول سالها به کانون پیچیده تضاددهسای گوناگون تبدیل شده، وجود مسئله‌ای بنام گروگانهای غربی در این کشور، بمنظور توجیه تشنج آفرینی و تداوم تجاوزگری امپریالیسم آمریکا و سایر شرکاء در این منطقه نه تنها لازم بلکه بسیار ضروری است. صرفنظر از اینکه وجود این گروگانها و داستان گروگانگیری، دهها استفاده دیگر نیز برای جناحهای مختلف امپریالیستی داشته و دارد. سیاستی که امپریالیستها و در رأس آنها آمریکا به برکت داشتن سگان زنجیری ای نظیر جمهوری اسلامی قادر به پیشبرد آن در لبنان گشته‌اند. با توجیه توضیح مختصر این واقعات است که میتوان فهمید چرا توجیه پرداخت بیشتر از نیم میلیار دلار از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی با استناد به مسئله مسلمان گروگانها از اساس غلط و فریبکارانه است. چرا که بدون شک در لحظه که منافسع امپریالیستی برای این پایه تراگیرد که وجود مسئله‌ای به نام گروگانهای آمریکا و فرانسوی و ... برای پیشبرد اهداف شناخته شده این دول غارتگر در لبنان ضرورتی ندارد و بیا برای منافع آنها مضر است، این پارامتر بالادنگ و بدون در نظر گرفتن اراده رژیمهای مزدوری نظیر جمهوری اسلامی از سوره برداشته خواهد شد. حال پرسیدنی است که به رغبت فریبکار ربهائی که در بالا شرح رفت، پرداخت بیش از نیم میلیار دلار از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی چرا و به چه دلیل صورت گرفت.

برای پیدا کردن پاسخ درست این سوال بهتر است قبل از هر چیز به توضیحات خود مقامات آمریکا رجوع کنیم. جناب آبراهام سافیر مشاور حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا که خود صحنه گردان اصلی این معامله با جمهوری اسلامی بوده است، در جمع برخی از هیئتلگهای نویسندگان کمیته فرعی مجلس نمایندگان آمریکا به



اوج ورسنگی جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر در ایران و تلاشهای مذبوحان رژیم

از صفحه ۱۸

دوباره زندانیانی که حتی دوره اسارتشان به لحاظ قانونی به سر آمده، خودداری از تحویل کمترین امکانات درمانی و بهداشتی به زندانیان عریض و انوع و اقسام فشارهای دیگر اشاره گشته است. در همین حال در گزارش مزبور به ایمن مسئله هم اذعان شده است که کم نیستند زندانیان سیاسی که تحت نام قاچاقچی و معتاد در جمهوری اسلامی اعدام گشته اند.

البته همانطور که بارها تاکید کرده ایم گزارش منتشره از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به خاطر ماهیت گردانندگان این ارگان بیانگسرتامی واقعیت چنانچه با رژیم جمهوری اسلامی در حق انقلابیون اسیر و سایر اقشار تحت ستم نبوده و نیست. اما انتشار همین گزارش هرچنانکه ناقص به نوبه خود نشان میدهد کسسه اقدامات ضد خلقی رژیم تبهکار جمهوری اسلامی در حق خلقهای تحت ستم و انقلابیون اسیر دارای آنچنان ابعساد هولناکی است که گتمان و استعمالی آن در افکار بین المللی بویژه برای داعیه داران دفاع از حقوق بشر بسسه هیچرو امکان ندارد. بخصوص که آنها میکوشند با توسل به حقوق بشریاستهای خاص خود را پیش برده و چهره جنتکاران را تطهیر نمایند.

صحت این واقعیت بخصوص هنگامی روشن میگردد که دریابیم به موازات انتشار گزارش سالانه سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران، ۱۲ دولت امپریالیستی حامه اروپا نیز تصمیم به انتشار قطعنامه مشترکی در محکومیت جمهوری اسلامی، در این رابطه و ارائه آن به سازمان ملل گرفته اند.

بله در چنین شرایطی است کسسه نماینده رژیم در سازمان ملل مجبور شده است که با ژستی فریبکارانه از بازرسان

مختلف از جواب دادن به گزارشات منتشره در مورد نقض حقوق بشر در ایران و اعدامها و شکنجههای وحشیانه زندانیان سیاسی قهرمان شانه خالی نموده و بارها درخواست مجامع بین المللی و غیره مبنی بر اجازه دیدار از سیاهچالها و شکنجهگاههای مخوف جمهوری اسلامی را رد کرده است. و همین امر خود بخوبی نشان میدهد که جمهوری اسلامی از اقدام اخیر خویش نیز چیزی جز اهدافی فریبکارانه را دنبال نمی کند. بویژه اینکه این دعوت کلی هنگامی صورت میپذیرد که سازمان ملل در گزارش سالانه خویش راجع به اوضاع حقوق بشر در ایران که اخیرا منتشر شده بار دیگر جلوه های کوچک ولی بسه غایت وحشیانه از رفتار جمهوری اسلامی ضد خلق در حق انقلابیون اسیر و در بند و سایر توده های تحت ستم را متذکر شده است. در این گزارش با استناد به مدارک و شواهد غیر قابل انکسار متعددی بار دیگر به وضوح روشن شده که صرف نظر از موج گسترده وحشتناک اعدامهای اعلام شده، شکنجه های قسرون وسطائی نظیر شلاق زدن با سیم خاردار، آویزان کردن زندانیان، اعمال فشارهای روحی و عصبی، تجاوز به زنان زندانی، اعدامهای ساختگی و حتی شکنجه زندانیان علیلی که بر روی صندلی چرخدار بوده اند و غیره جزء لاینفکی از رفتار وحشیانه رژیم مزدور جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی قهرمان و سایر مخالفین خویش در سیاهچالهاست.

در این گزارش دهشت انگیز که تنها به گوشه هایی از جنایات جمهوری اسلامی در حق انقلابیون و مخالفان این رژیم اختصاص دارد، و از جمله به محاکمه های سرپایی و چند دقیقه ای زندانیان و صدور حکم اعدام برای آنها، محاکمه

حقوق بشر سازمان ملل دعوت کند کسسه برای اولین بار از شکنجه گاهای ایران تحت حکومت ددمنشانه جمهوری اسلامی دیدن کنند. جمهوری اسلامی بدین وسیله قصد دارد اینطور جلوه دهد که گویا این رژیم جنایتکار از آنجا که رفتسار بسیار خوبی با زندانیان دارد، از این مسئله که ما موران سازمان ملل از زندانیان دیدن کنند، ایثی ندارد. در صورتی که هرکس که اندک شناختی از ماهیت ضد مردمی و سرکوبگرانه ایمن رژیم در یکدهه گذشته داشته باشد، بخوبی میداند که جمهوری اسلامی حتی به فرض اینکه مجبور به نمایش اوضاع زندانیان خویش در برابر رسانه های تبلیغاتی گردد هم به هیچرو واقعیت هنمی این شکنجه گاهای مخوف را بسه آنها نشان نخواهد داد. چرا که اینکار تنها باعث بیشتر روشن شدن خونالود و جنایتکار رژیم در عرصه بین المللی خواهد گشت که بطور روزمره هزاران تن از پاکترین فرزندان انقلابی خلق را تنها به خاطر اعتقاد و با فشاری بسر آرمانهای انقلابی خویش مورد شکنج ترین و کشیف ترین شکنجه ها و فشارها قرار میدهد.

بازدید واقعی و نه نمایشی از سیاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که چگونه این رژیم ضد خلقی بطور روزمره گروه گروه از مخالفین سیاسی و توده های تحت ستم را از دم تیغ گذرانده و میگذراند. بازدید از سیاهچالهای جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که چگونه بندبند سلطه ضد خلقی این رژیم مزدور با شکنجه و اعدام و سرکوب گره خورده است. و بالاخره بازدید واقعی از سیاهچالهای جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که این رژیم ضد خلقی چگونه برای حفظ و حراست نظام امپریالیستی موجود از سیما نه ترین خوفناکترین روشها و وسایل برعلیه جنبش انقلابی و عادلانه توده های تحت ستم استفاده میکند. گذشته از اینها، همه به خوبی میدانند که رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت وابسته امپریالیستی آنقدر فریبکار و شیاد هم هست که درست در همان زمانی که بعد از آتش بس در جنگ امپریالیستی ایران



بیطرفانه افکار عمومی بین المللی بگذارد.

در نتیجه چنین دیدارهایی تنها زمانی ارزشمند است که دیدارکنندگان امکان یابند اولاً تمامی سیاهچالهای جمهوری اسلامی را بدون اجازه دادن به صحنه سازی های تبلیغاتی رژیم آزادانه بازدید نمایند و ثانیاً چنین دیدارهایی جدا از هرگونه زد و بنسد سیاسی محرمانه صورت گرفته و نتایج آن بطور علنی اعلام گردد و تنها در چنین صورتی است که بخشی از جنایتها و فجایع دژخیمان جمهوری اسلامی در سیاهچالهای این رژیم بار دیگر در مقابل افکار عمومی جهانیان قرار خواهد گرفت.



که از تجاوز و اعدام زنان باردار و شکنجه کودکان خردسال برای اعتراف گرفتن از والدینشان شنیگزدند چگونه به نمایش این واقعات در افکار عمومی بین المللی تن خواهد داد؟ بخاطر همین واقعات هم هست که تاکنون هیچکس در جمهوری اسلامی مبنی بر دعوت از ما مورین سازمان ملل برای دیدار از زندانهای جمهوری اسلامی جز با اهدافی فریبکارانه و ضدخلقی صورت نمیگیرد و این رژیم به عنوان بیک رژیم وابسته به امپریالیسم کد دوام و بقای حکومتش تنها با ضرب زور و سرنیزه و به بنسد کشیدن و خفه کردن هرگونه صدای اعتراضی توده ها امکان پذیر گشته است ، اصولاً هیچگاه نمیتواند و نخواهد توانست که خود را سا گوشه ای از واقعیت دیگتاتور امپریالیستی خویش را به همسایان هولناکی ای که هتبه سرفش است

و عراق، در هر کوی و برزن چوبه های دار برپا ساخته بود و دهها هزار تن از زندانیان سیاسی را از دم تیغ میکشاند و تنها نه ادعای عمومی زندانیان سیاسی را میکرد و یا همواره بخوبی میدانند که این رژیم آنقدر مزدور و دروغوست که همین چندی پیش با ترتیب برنامه ریزانه ای تحسنت عنوان دیدار با صلاح خیزنگاران خارجی از سیاهچالهای جمهوری اسلامی و انتشار گزارشاتی به نقل از آنها مبنی بر اینکه در جمهوری اسلامی شکنجه و اعدام وجود ندارد، اینطور جلوه میداد گسه گویا تمامی گزارشات مبنی بر نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی دروغ میباشد. و جمهوری اسلامی بهترین رفتار را با مخالفان خویش دارد، و برابستی هم رژیمی که آنقدر وحشی و دمدش است

فراخوان مالی چریکهای فدائی خلق ایران

رفقای هوادار!

دوستانداران سازمان!

ما توجه به اینکه چریکهای فدائی خلق ایران در جهت پیشبرد برنامه های مبارزاتی خود با کمبود امکانات مالی مواجه اند و از آنجا که سازمان برای تحقق برنامه های مبارزاتی خود به کمکهای مالی رفقای هوادار و دوستانداران خود متکی میباشد ، لذا بر تمامی رفقای هوادار و دوستانداران سازمان لازم است بطور جدی ما را در رفع مشکلات مالی یاری رسانند . از انجمنها و سازمانهای هوادار چریکهای فدائی خلق ایران در خارج کشور نیز میخواهیم در پاسخ به این فراخوان با برنامه ریزی لازم به جمع آوری کمکهای مالی منادرت گسرسده و تمامی امکانات خود را در جهت حل سریعتر این مسئله بکارگیرید .

رفقای هوادار و دوستاندار سازمان در خارج از کشور میتوانند کمکهای خود را از طریق نمایندگی سازمان در خارج از کشور ارسال نمایند .

بسا ایمنان به پیروزی را همسان
کمیتته مرکزی چریکهای فدائی خلق ایران

اخبار و

گزارشهای خبری

با قاچاق نام میبرد، معاونت اطلاعاتی - عملیاتی ایستادن قرارگاه در مصاحبه ای رادیویی گفت: "بخاطر وجود جریانات مشترکی که در استانهای سیستان و بلوچستان و کرمان و خراسان از سوی دشمنان انقلاب اسلامی در حال شکل گیری و جریان است" این قرارگاه ایجاد شده و "انشاءالله در آینده با بکارگیری امکاناتی که در رابطه با این طرح در نظر گرفته شده میتواند شوق کشور را از وجود اشرار باکسازی کنیم و سطحی ایجاد کنیم که آنها در شرق کشور با امنیت نا امنی فعال نشوند" لازم به یادآوری است که مدتی است جمهوری اسلامی کنترل کاملی بر جاده زابل - زاهدان از ساعت ۵ بعد از ظهر به بعد ندارد.

- یونس محمدی نماینده خرمشهر در مجلس گفت: "اگر روند بازسازی خرمشهر و روستاها اینگونه پیش برود بازسازی آنها صدها سال بطول خواهد انعامید."

- آخوند احمدی امام جمعه هرمزگان در رابطه با موافقت آمریکا با پرداخت ۵۶۷ میلیون دلار از داراییهای ایسران گفت: "این عقب نشینی آشکار آمریکا شایسته جمهوری اسلامی و ملت انقلابی ما را نشان میدهد."

- مدیر کل زندانهای رژیم در خراسان اعلام کرد: "۳ زندان متمرکز در شهرهای بیرجند، شیروان و تربت حیدریه در مساحت ۱۲۵۰ هکتار ایجاد میشود. همچنین در آینده نیز ۴ زندان متمرکز در مشهد، سبزوار و نیشابور ایجاد خواهد شد." - مجمع امور صنفی و انجمن اسلامی مرکزی اصناف شهرستان بیرجند با ارسال تلگرافی برای کرویسی رئیس مجلس خواستار لغو اعتبارنامه ابولحسن حائری زاده نماینده این شهر در مجلس شدند. در این تلگراف آمده است: "از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده میخواهیم که اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنها نرارد کند و نگذارد حتی یک عنصر خرابکار و وابسته به مجلس راه یابد."

- باپورش وحشیانند نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بسمه تظاهرات مردم در زان بهبهان حداقل ۲۵ تن جان خود را از دست دادند، و اعتراض اهالی به سیاستهای رژیم به وحشیانه ترین شکلی سرکوب گردید.

- در اوائل آذرماه، رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد که براساس اطلاعاتی که از ایران برای سازمان ملل ارسال شده است شماری از اعدایان بیگناه گذشته در ایران که جمهوری اسلامی آنان را به عنوان قاچاقچی اعدام نموده است، زندانیان سیاسی بوده اند.

- در ۶ آذرماه نیروهای سرکوبگر رژیم در منطقه فیروزکوه و رباط کریم بدمانوری دست زدند که هدف از آن ایجاد امنیت و دفاع شهری در مواقع بروز حملات و مبارزه مسلحانه در شهر اعلام نمودند.

- به دکان یک حزب الهی در خیابان بیسیم نجف آباد، در منطقه میدان خراسان تهران نارنجکی پرتاب شد که در اثر انفجار آن حزب الهی مزبور به هلاکت رسید.

- در اعتراض به گرانی و کمبود مواد غذایی تظاهراتی بر علیه رژیم در جنوب شهر تهران رخ داد که بسا بیسوسش وحشیانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی عده ای از تظاهرات کنندگان مجروح و عده ای نیز جان باختند.

- جندی پیش در جریان یک مسابقه فوتبال در شهر نجف آباد بین تماشاگران و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی درگیری بوجود آمد که بر اثر تیراندازی افراد مسلح رژیم تعدادی کشته و مجروح گردیدند.

- علیرغم همه هیاهوهای جمهوری اسلامی در رابطه با مبارزه با مواد مخدر در کرمانشاه اخیرا توزیع کنندگان مواد مخدر بدون کمترین پوشش در معابر عمومی به خرید و فروش این مواد پرداخته بطوریکه خرید و فروش مواد مخدر حتی از گذشته نیز آزادانه تر صورت میگردد.

- اخیرا در شهر تهران به جز گشتهای والسادیات که هر لحظه بخواهند به بازرسی افراد میپردازند مسز دوران وزارت اطلاعات نیز با لباسهای شخصی و ماشینهای عادی به گشت در شهر پرداخته و به دستگیری و بازجویی از اهالی میپردازند. - با گسترش موج اخراج های کارگری در کارخانجات کشور، اخیرا مدیریت و مسئولین کارخانه چیتتری هرگاه بخواهند کارگری را تهدید به اخراج نمایند از اصطلاح "پشت دری" استفاده میکنند و مدتی است که این اصطلاح بطور وسیعی در این کارخانه رایج شده است.

- نشریه الفروغ چاپ تونس فاش ساخت که اخیرا تاسهای محرمانه ای در نیویورک بین جمهوری اسلامی و آمریکا جریان داشته است. همچنین کانال ۵ تلویزیون فرانسه نیز گزارش داد که از چند هفته پیش میان نمایندگان رئیسجانی دولت آمریکا مذاکرات محرمانه ای آغاز شده است.

- در حالیکه جمهوری اسلامی از قرارگاه مسرکسزوی محمدرسول الله در شهر بیرجند به عنوان مرکزی برای مبارزه



میشوند. فرماندار مریوان نیز برای جلوگیری از رشد اعتراض اهالی به وعده و وعید متوسل شده و قول حل مسئله را میدهد.

- اخیراً نیروهای رژیم در پایگاه جوشن از توابع سرشهو ستر چوپان روستا را به گلوله می‌بندند که باعث مرگ او و هجرش شدن فرزندان می‌گردد.

- پاسداران جمهوری اسلامی در سنجج به مراسم عروسی یکی از اهالی شهر حمله کرده و ضمن انیت و آزارها نمان عروس و ناماد با ضافه عده دیگری را دستگیر نمودند.

پاسداران اعلام کردند که هر نوع مجلس عروسی باید با اطلاق نهادهای سرکوبگر و بدون موسیقی برگزار گردد.

- جمهوری اسلامی در راستای سیاستهای چپا و لگرا نه خود مبلغ ۱۵ میلیون ریال از اهالی روستای مرزی قلات در منطقه سرشت برای کفیدن برق اخاذی نمود.

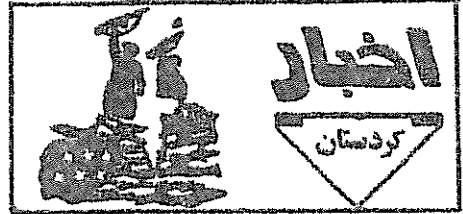
- برخلاف تبلیغات رژیم مبنی بر عفو عمومی در ارومیه اکثر زندانها ن سیاسی که در موج اخیر اعدا مها ی وحشیا نه رژیم اعسدام نهاده اند هنوز زندان بسر می‌برند و در این فاصله رژیم تشهسا عده ای قاچا قچی و عناصر تسلیم را آزاد نموده است.

- چندی پیش یکی از عناصر اداره اطلاعات مها بسا د در یکی از مساجد این شهر به تهدید اهالی پرداخته و از جمله می‌گوید اصلا در این شهر مثل اینکه انقلاب اسلامی صورت نگرفته چرا که همه اهالی با ضدا انقلاب همکاری می‌کنند.

- نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در منطقه ترگسور و مرگور شمال کرستان پس از ضربات اخیر بهشمرگان خلق کرده به آزار اهالی پرداخته و آنها را به بهانه اینکه به بهشمرگان کمک می‌کنند دستگیر و شکنجه می‌نمایند.

- در ۱۱ آبان ماه جاشهای خود فروخته در جاده بانه - سردشت یک ماشین مسافربری را بدون دلیل به رگبار می‌بندند که در این اقدام وحشیانه دو نفر از مسافرین ماشین مزبور جسان خود را از دست می‌دهند.

- در جاده بانه - سردشت جاشها به عنوان بهشمرگسان خلق کرد جلوی ماشینهها را گرفته و درصدا اخاذی از مسافرین بر می‌آیند. ولی مردم که با این ترسند ضد مردمی آشنائی دارند از پرداخت پول به آنها خودداری می‌نمایند. در نتیجه جاشهای مزبور ماهیت خود را آشکار کرده و با توسل به زور و تهدید مسافرین، مبالغی از آنها اخاذی می‌نمایند.

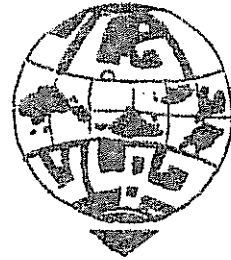


- نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ضمن یورش به یکسری از روستاهای شهرستان سلما س اهالی این روستاها را اجبارا گرد آورده و اعلام می‌کنند که هرکس به بهشمرگان کمک برساند به شدیدترین وجهی تنبیه می‌گردد. آنها ضمن انیت و آزار خانواده بهشمرگان خلق کرد آنها را تحت فشار قرار مینهند که بروند و فرزندان مبارزها ن را مجبور به تسلیم نمایند. در خاتمه این اقدام وحشیانه پاسداران از مردم می‌خواهند که بر علیه بهشمرگان شعار دهند که هیچکس به چنین خفتگی تن نداده و به خواست آنها تمکین نمی‌کند.

- در اوائل مهرماه مزدوران رژیم اطراف روستسای "درمان" در منطقه مها باد را با توپ و خمپاره گلوله باران نمودند که در نتیجه زن زحمتکشی از اهالی روستا جان خود را از دست داد.

- چندی پیش پاسداران پایگاه "قلات" سردشت به خانسه یکی از زحمتکشان روستای "دول خانوه" یورش برده و ضمن بازرسی خانه و انیت و آزار اهالی آن، تردد به خانه مزبور را برای روستائیان دیگر ممنوع اعلام می‌کنند. این اقدام سرکوبگرانه با اعتراض زنان روستا مواجه شده و زنان دلاور روستا با جوب و سنگ به پاسداران حمله می‌کنند. کسه پاسداران به تیراندازی مبادرت کرده و باعث اوج گیری اعتراض اهالی روستا میشوند. در همین حین جاشهای خود فروخته پایگاه مزبور به روستا آمده و پاسداران را از روستسا خسارچ می‌سازند.

- کمبودان در شهر مریوان باعث تجمع اعتراضی مردم در مقابل مجلس مرکبستف نائوا نههای این شهر می‌گردد. ولی نمایندگان نائوا تشهای شهر مسئولیت کمبود نان را متوجه رژیم می‌نمایند و در نتیجه مردم با تفاق نمایندگان مزبور در جلوی فرمانساری شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مسئله کمبود نمان



سامبر ۸۲ تا ۸۸ قریب به ۲۶ هزار کودک و نوجوان فلسطینی بدست نیروهای سرکوبگر اسرائیل مجروح گریده اند.

- انفجار دو بمب در نزدیکی سفارتخانه های شوروی و چین در لیما پایتخت پرو، خساراتی به بار آورد و سستی تلفاتی در برنداشت. در رابطه با این انفجارها آموختن پیوس گزارش داد که هنوز هیچ گروهی مسئولیت این عمل را به عهده نگرفته است اما رژیم جنایتکار پرو سازمان "راه درخشان" را مسئول این عملیات اعلام نمود.

- در ۱۷ آبان ماه دانشجویان ۲۶ دانشگاه در مراسم کره جنوبی دست به یک حرکت اعتراضی بر علیه رژیم مسزور کره جنوبی زدند که بر اثر حمله پلیس سرکوبگر این کشور ۴۵ دانشجو دستگیر شدند.

در تداوم مبارزات دانشجویان کره جنوبی، دانشجویان مبارز این کشور در حالیکه بر علیه امپریالیزم امریکا شعار میدادند یک مرکز نیروهای هوایی امریکا واقع در ۲۳۰ کیلومتری ستون پایتخت این کشور را مورد حمله قرار داده و به طسرف این مرکز کوکتل مولوتف پرتاب نمودند.

- شهرهای بزرگ آرژانتین سخته تظاهرات و اعتصابات گسترده توده های سخته این کشور بر علیه رژیم حاکم گریده. تظاهرات کنندگان آنها اتوبوس را به آتش کشیدند و بر علیه گرانی و کمبود مواد غذایی به اعتراض برخاستند. رشد بحران سرمایه داری وابسته آرژانتین با تسورم چهار هزار نرصدی خود دیدار زندگی توده ها را تحت فشار قرار داده و شرایط غیر قابل تحملی را برای آنها به ارمغان آورده است.

- بیدارنگاه های اسپانیا چهارتن از مبارزین باسک را به ۸۲۰۰ سال زندان محکوم نمودند. در ضمن مبارزین باسک با تله گذاری برای یکی از اعضای پلیس اسپانیا این مزدور را به آکت رساندند.

- در تداوم بحران روز افزون رژیم آلمان شرقی، دولت ایسن کشور با تخریب دیوار برلین که برلین شرقی را از غربی جدا میسازد، موافقت نمود.

- در حالیکه مردم فلسطین در برابر سفارت امریکا در اعتراض به وجود پایگاه های امریکا در کشورشان به تظاهرات برخاسته بودند، اکینو رئیس جمهوری این کشور برای جلیسب کمک های بیشتر امریکا به این کشور سفر نمود.

- روز نهم آبان ماه کارگران یکی از مسادن شوروی در منطقه قطب شمال در اعتراض به اوضاع و احوال مقبار کار و زندگی خود دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی از دولست خواستند که کمتر وعده و وعید دهد و بیشتر به وعده عمل نماید. همچنین معدنیان اوکراین در اعتراض به شرایط زندگی خود به مدت دو ساعت دست بیک حرکت اعتراضی زدند.

لازم به یادآوری است که در بستر رشد بحران اقتصادی شوروی و اوج گیری اعتصابات کارگری روهیزونیستهای حاکم بر این کشور بهمنهاد ممنوعیت اعتصاب کارگران را به پارلمان این کشور بردند و علی رغم همه اعتراضاتی که در این زمینه شده آنها قانونی را به تصویب رساندند که بر اساس آن اعتصاب در برخی از صنایع مهم این کشور ممنوع اعلام شده است.

این قانون ضدکارگری در حالیکه جلوه ای از سیاستهای طبقه حاکم شوروی در مقابله با بحران موجود را آشکارساز میسازد، در همان حال نشان میدهد که جار و جنجال هسان گورباچف در رابطه با دستگرازی، قبل از هر چیز سرکوب طبقه ای را نشان گرفته است.

- سنای امریکا لایحه ای را به تصویب رساند که بر اساس آن دولت امریکا میتواند در سراسر دنیا به تصقیب و دستگیری افرادی که در بیدارنگاه های این کشور مجرم شناخته شده اند، بپردازد. و در آن همچنین مجازات اعدام برای کسانی که اتباع امریکا را در خارج از این کشور به قتل میرسانند پیش بینی شده است.

- دولت امریکا علاوه بر کمک نظامی یک میلیسارد و ۸۰۰ میلیون دلاری خود به اسرائیل طی سال جاری کمک اقتصادی ای در حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای تقویت دولست اسرائیل در نظر گرفته است.

- بنا به آمار رسمی دولت اسرائیل که در مطبوعات فرانسه منعکس گریده طرف یکسال اول قیام خلق فلسطین، یمنسی از

که مسئولیت آنرا گروه "مبارزه انقلابی خلق" برعهده گرفت هیچیک از افسران امریکائی آسیبی ندیدند.

سه سرباز ارتش گواتمالا توسط جریدهائی که در مناطق شمالی این کشور فعالیت می کنند اسیر شدند.

رویز پرنیستهای حاکم برچین برعلیه سه اعتصابیات تظاهرات مردم به وضع فرادین جدیدی متوسل شده اند. پسرای نمونه چهارشنبه ۲۵ اکتبر قانونی به تصویب رسید که براساس آن هیچ شخصی حق شرکت در تظاهرات و اعتصابات خارج از شهری که زندگی می کند را ندارد. "شهر و نوسندان نمی توانند هیچ تظاهرات و یا اعتصابی را خارج از شهر محمود شروع و شرکت و یا سازماندهی کنند".

جریدهای "ارتش رفائی پیش ملی" کلمبیا طی یکساله معامله نظامی در دو شهر مختلف ۵ پلیس را کشته و چند تن را زخمی نمودند.

دولت فرانسه اعلام کرد که مبلغ ۱۴۰ میلیون دلار کمک مالی برای مدرنیزه ساختن لهستان در اختیار این کشور قرار خواهد داد.

ادخیرا دولت اروپای غربی توافق نمودند تا حسابی به ارزش بیست و یک میلیارد دلار برای سرمایه گذاری در لهستان و مجارستان ایجاد نمایند.

امریکا یک کمک ۹۳۸ میلیون دلاری به لهستان و مجارستان را اعلام نمود. از این مبلغ ۸۴۶ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به لهستان و ۹۱ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به مجارستان تعلق خواهد گرفت. در رابطه با این کمک پروس رئیس جمهور ای امریکسا اعلام کرد دلار به تنهایی نمی تواند موجب تعولت شود و یک هیأت امریکائی قرار است برای تعیین راههای کمک پس از اصلاحات لهستان راهی این کشور شود و سپس تاکید نمود که این کمک باید لهستان و مجارستان را تشویق به اصلاحات اقتصادی و ایجاد بخش خصوصی با مشارکت امریکا نماید.

پارلمان آلمان شرقی به لغو ماده ای از قانون اساسی این کشور رای داد که براساس آن قانون رهبری جامعه برعهده طبقه کارگر و حزب کمونیست اش قرار داشت.

مراسم تحلیف ریاست جمهوری ترکیه ه انجمن ۲۰ بحب در مقابل مراکز اقتصادی از جمله بانکها و شرکتهای امریکاییستو رژیم جنایتکار ترکیه را به وحشت انداخت.

کارگران و زحمتکشان شهر "بوکرا" واقع در همسایه غربی داکا پایتخت بنگلادش برعلیه رژیم حاکم تظاهرات بزرگی سازمان دادند که بر اثر حمله نیروهای سرکوبگر رژیم جنایتکار حاکم ۳۰ نفر مجروح گردیدند. در تناوم ایسمن تظاهرات رژیم برای حفظ سلطه خود مجبور به اعلام حکومت نظامی گردید.

رژیم مزدور پولجوی برای مقابله با موج رو به رشد اعتصابیات کارگری و اعتراضات دانشجویی در سراسر کشور اعلام حکومت نظامی نمود و به دستگیری مدها تن از توده های مستعبد این کشور پرداخت.

براساس گزارش خبرگزار بهاء وان پیر هوك کمیسیون عالی پناهندگی و معاون دبیر کل سازمان ملل متحد ۳۰۰ هزار دلار از بودجه سازمان ملل گردیده است.

در جریان شورش ترکی از زندانیهای ایالت پنسیلوانیا زندانیان پیشی از زندان رابه آتش کشیدند. در جریان این شورش ۵ زندانی و ۲۵ پلیس مجروح گردیدند.

روز دوشنبه ۳۰ اکتبر یک جریده فلسطینی با بستن بمب به بدن خود و حمله به یک گشتی نظامی اسرائیل باعث مجروح شدن سه سرباز اسرائیلی گشت. در این عملیات جریده فلسطینی به شهادت رسید.

سازمان عفو بین الملل دولت ترکیه را بدلیل شکنجه زندانیان سیاسی محکوم کرده و اعلام نمود که در طی سال جاری ۱۰ زندانی سیاسی رهبر شکنجه شده اند.

بدنیال تلافی دولت امریکا برای غیر قانونی کردن به آتش کشیدن پرچم امریکا روز دوشنبه ۳۰ اکتبر چند تظاهرات کننده از هرا داران حزب کمونیست انقلابی امریکا در مقابل ساختمان کنگره این کشور در واشنگتن پرچم امریکا را به آتش کشیدند. در ضمن عده ای از سربازان امریکائی که در جنگ ویتنام شرکت داشته اند نیز روز ۲۶ اکتبر پرچم امریکا را به آتش کشیدند.

روز یکشنبه ۲۲ اکتبر انفجار ۳ بحب در سه ماه پس از افسران امریکا در پایگاه نظامی هلیکوپتر کون واقع در حومه آتن باعث مجروح شدن ۲ افسر یونانی گشت. در این انفجارها



دست بزنند. لازم بتوضیح است که رژیم مزدور و ضد خلقی، سالوادور در تبلیغات خویش از سر معز و ناتوانی، بوا همبریهان از کنترل اوضاع پایتخت توسط نیروهای سرکوبگر ارتش خبر میدهد، و این تبلیغات دغاگارانسه در شرایطی است که جریکها بخش بزرگی از مواضع دشمن در شمال پایتخت را تسخیر نموده اند. عملیات دلاورانه اخیر جبهه آزادبخش خلق سالوادور نشان داد که مبارزات مسلحانه و جنگ انقلابی خلق سالوادور بر علیه امپریالیسم و سگسان زنجیریش در این کشور وارد مرحله جدیدی گردیده و بر این واقعیت که امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا بسا وجود تمامی قدر قدرت نمائیهایشان در مقابل اراده خلقهای مسلح جز بفرهای کاغذی ای نیستند، سهر تاکید دوساره ای کوبیده است.

لازم به یادآوری است که نیروهای جبهه آزادبخش ملیسی فاراباندومارتی در طی سالها مبارزه مسلحانه بر علیه سلطه امپریالیسم در این کشور موفق شده بودند که بخش وسیعی از خاک این کشور را از زیر سلطه دشمنان مردم خارج نمایند و عملیات تاخیر این جبهه در پایتخت این کشور در تداوم این مبارزه طولانی بیباک برقراری توازن قوای جدیدی در رابطه با انقلاب و ضد انقلاب در این کشور میباشد، امسری کسه چشم اندازهای روشن پیروزی را در مقابل کارگران و توده های ستمدیده سالوادور قرار میدهد.



دوباره تریب و نظم بطولین جنسی در تهران

از صفحه ۱۵

ما داریم آنها را به تیمارستان منتقل میکنیم و علیه غم اعتراضات مردم معمول نامبرده را دوباره سوار ماشین کرده و به راه خود ادامه میدهند.

قابل ذکر است که انکاس طبر فوق در سطح شهر با عسک انزجار هرچه بیشتر مردم از رژیم گفته و رسوائی دیگری به رسوائیهای جمهوری اسلامی در نزد مردم افزوده است. برامتی رژیمسی که کودکان و جوانان کشور را در میدانهای جنسنگ بمنوان نیروهای همکار صرف " به گفتن میداد با مملولین جنگی نه جز این نمیتوانست بر سرورد نماید " ندنگ و نفرت بر این رژیم ضد خلقی باد!



تسخیر بخشی از پایتخت سالوادور

بویبلسه انقلابیون ایمن کشور

اخبار منتشره حاکی از رشد جنبش انقلابی خلق سالوادور و اوگیری شعرات انقلابی جریکهای جبهه فاراباندومارتی بر علیه رژیم وابسته با امپریالیسم سالوادور میباشد.

در این رابطه اواسط آبان ماه جریکهای انقلابی ایمن جبهه طی تعرضی دلاورانه به محل اقامت کریستیان رییس جمهور سالوادور و مراکز متعدد تجمع قوای سرکوبگر ارتش امپریالیستی رژیم سالوادور بخشی از پایتخت را بسند کنترل خود درآوردند. بر اثر عملیات تهرمانانه انقلابیون سالوادور در پایتخت این کشور، چنان وحشتی در دل حاکمین ضد خلقی دولت کریستیان افتاد که نه تنها جنسب رئیس جمهور با فضاحت مجبور به فرار از کاخ خویش شست، بلکه رژیم سالوادور مجبور شد که در این کشور حکومت نذامی اعلام کند، ولی از آنجا شیکه حملات جریکها وحشیهای توده ای از آنها قوی تر از آن چیزی بود که مزدوران رژیم فکر میکردند، اعلام حکومت نظامی نیز ساعات ده شده مزدوران ضد دولت ضد خلقی سالوادور طی اقدامی جنایتکارانه تصمیم به بمباران نقاط متعدد پایتخت از هوا و زمین گرفت و در نتیجه با توپهای سنگین و تانک و هلی کوپتر و بمبافکن بمبارانها با جریکها و توده های مبارز پایتخت دست زد، اما علیه غم این بیورش وحشیانه، حملات گسترده جریکهای رزمنده فاراباندومارتی همچنان ادامه یافت، چنانکه جریکها با حمله بسند مراکز نیروهای سرکوبگر ارتش امپریالیستی سالوادور در حوالی شرونگاه بین المللی این کشور، موجب تعطیلی شرونگاه شدند، رزمندگان جبهه فاراباندومارتی همچنین با استفاده از سلاحهای سنگین و نیمه سنگین با تعرض تهرمانانه دیگری به بخش نظامی "خوزه آرتد" که در مجاورت مقر ستاد کسبل نیروهای مسلح رژیم وابسته با امپریالیسم سالوادور قرار دارد، ضربات مهلکی بحراکز تکرکز مزدوران رژیم ضد خلقی این کشور وارد نمودند. حملات مشهوراند جریکهای جبهه فاراباندومارتی که طی ۱۰ سال اخیر بی سابقه بسوده است، موجب پاکسازی بیش از ۲۵ منطقه از شمال پایتخت سالوادور از حضور نیروهای سرکوبگر ارتش امپریالیستی سالوادور شده است، راندوی "ون سه رموس" فرستنده جبهه آزادبخش ملی فاراباندومارتی طی گزارشاتی که در رابطه با شعرات جریکهای انقلابی این جبهه بخش مینسوده از کارگران و کارکنان حمل و نقل خواستار شد که به اعتصاب

پیش پیروی ما زماندنی مسلح توده ها

ایران از دریچه آمار

از اوایل شهریور ماه طی پورش ایادی رژیم به دکه داران در طرف یکماه بساط ۹۴۸۶ دکه دار و دستفروشی به بهانه سبب محبر در ضیای آنها ی تهران بر سر ریخته شد .

سازمان حفاظت محیط زیست استان بهار محل به بهاری اعلام کرد ؛ تحت تاثیر سموم دفع آفات مزارع در رودخانه " دمنو " ۴۰ تا ۵۰ هزار قلمه ماهی از بین رفته است .

رئیس آموزش و پرورش گناوه اعلام کرد ؛ ۸۶ واحد آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی به امر تعلیم و تربیت اشتغال دارند که این آمار کمبود شدید فضای آموزشی در محدوده را نشان میدهد . این کمبود باعث گردیده تا در مقطع ابتدائیسسی یک مدرسه ۲ شعبه و ۱۳ مدرسه ۲ شعبه و در مقاطع راهنمایی و دبیرستان ۲ شعبه داشته باشیم .

تقریباً همه گل گزاریها که از بهار گذشته تا کنون افزایش قیمت برخی از کالاها برای ایران تا ۱۰۰٪ نیز رسیده است . در همین باره بازاری اقتصادی کشور اعلام شد که تصویر

طی سالهای گذشته کمیته جمهوری اسلامی به میزان ۶۰٪ افزایش یافته است و میزان بهکاری به ۶ میلیون نفر رسیده است . در این زمینه تا کنون گرید که بیش از ۴۳ درصد از نیروی کار کشور به کار می باشد .

از مسائل دیگری که در این زمینه مطرح گردید رشتمند واریات برنج و گوشت بود برای نمونه واریات برنج که در سال ۵۶ حدود ۱۸/۶٪ بوده در سال ۶۷ به ۲۰/۵ درصد افزایش یافته و واریات گوشت از ۱۷/۶٪ در سال ۵۳ به ۲۸/۲٪ در سال ۶۷ رسیده است .

تعداد کتابخانه عمومی شهر ۴۰۰ هزار نفری بر روی سرودتضا ۱۴۰ متر مربع وسعت دارد در این کتابخانه که ۶ هزار نفر عضو دارد برای زنان که ۲۰٪ اعضا آنها تشکیل میدهد جای برای مطالعه وجود ندارد و آنها مجبورند در انحصار سراجدار به مطالعه بپردازند .

بر اساس گزارش کمیته ان در رابطه با کمبود مسکن و بر اساس نرخ رشد فعلی جمعیت برای پاسخگویی به نیازهای جدید (و نه رفیع کمبودهای مراسم آور سالهای گذشته) سالانه باید حدود ۴۰ هزار واحد مسکونی جدید ساخته شود آنهم به به شرطی که در هر واحد مسکونی بیش از یک خانوار اسکان یابد . بر اساس این گزارش در فاصله پنج ساله ۶۳ تا ۶۸

مدیر کل امور اقتصادی و دارایی استان کرمانشاه اعلام کرد ؛ مالیات اخذ شده در پنج ماهه اول سال جاری در این استان ۴۳۲ میلیون ریال بوده که معادل کل مالیات اخذ شده در تمام سال گذشته می باشد .

نماینده همدان در مجلس اعلام کرد ؛ میزان نقدینگی بخش خصوصی طی سالهای اخیر ۷ برابر شده است و به کاری از ۷۷/۷٪ در سال ۵۵ به ۸۱/۶٪ در سال ۶۵ رسیده است .

مدیر کل اداره اقتصاد و دارایی استان آذربایجان شرقی اعلام کرد ؛ ۱۰٪ جمعیت کشور مالک ۶۳/۷٪ از ثروت کل جامعه می باشد .

رئیس انجمن گشت و آنچه طی برنامه ۵ ساله پیش بینیس کرده ایم به جذب ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی برای طرحهای مختلف شده برنامه ۵ ساله است .

سازمان تامین اجتماعی جمهوری اسلامی در سالهای اخیر سالانه حدود ۲۴ میلیارد تومان کارگران و کارمندان با احتیاج به شده را سرکسده نموده است .

بر اساس آمار بانک مرکزی ؛ در سال ۶۶ هزینه ناخالص بانکها نوار شهری بطور متوسط سالانه ۱۸۶ هزار تومان به حساب ماهی حدود ۱۵/۵ هزار تومان بوده است .

تقریباً دی ولت چاپ آلمان گزارش داد ؛ تهیه در تهران ۲ میلیون نفر شبها با شکمهای گرسنه به ریختن میروند و بعضیها مجبورند تمام روز را با چند استکانهای غیرهمین بگذرانند و غذای حتی توانایی خرید شکر را ندارند .

در تهران برای جایگاه هر صد هزار نفر تنها ۲۸ دستگاه اتوبوس وجود دارد .

دو نفره اشتفاده کنیم.

- روزنامه اطلاعات نوشت: میزان قرض دولت از بانک مرکزی بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد تومان می باشد. و از این قرض به عنوان کسر بودجه جا وانه ای که سالانه روبه افزایش است نام برد.

- کریم شافعی نماینده مردم در مجلس اعلام کرد: ۶۱۰ مردم استان آذربایجان بیسواد می باشند.

حداقل یک میلیون و ۲۵۰ هزار واحد مسکونی، کمبود وجود داشته که اگر این رقم را با یک میلیون و ۸۱۰ هزار واحدی که از قبل کم بوده جمع کنیم سه میلیون واحد کمبود در زمینه مسکن وجود دارد.

- بر اساس گزارشات موجود: حدود نیم میلیون دختر بیچه در گروه سنی ۶ تا ۹ سال بیسواد می باشند از این تعداد ۲۷۵ هزار نفر در روستاها و ۱۱۳ هزار نفر در شهرها زندگی می کنند. در گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال نیز یک میلیون و سیصد هزار دختر بیسواد می باشند.

مسئول بخش زنان و زایمان بیمارستان علوی شهر اردبیل اعلام کرد: بدلیل کمبود جاه مجبوریم که از تختها بصورت

خوانندگان مبارز "پیام فدائی"

برای غنای بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظرسنجیات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکشید با مکتبیه با نشریه رابطه هرچه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به تسوده ها و به مجموعه هوادارانانش متکسی باشد.

روز شمار

آبان و آذر ماه

- ۸/۱۶ / انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷
- ۸/۷ / ۱۲۸۷ / اعتصاب کارگران کاخ ناصرت
- ۸/۲۵ / پایان جنگ جهانی اول ۱۹۱۸
- ۸/۷ / ۱۳۳۳ / تصویب قرارداد کنسرسیوم نفت
- ۸/۱۹ / ۱۳۳۲ / شهادت دکتر حسین فاطمی
- ۸/۴ / ۱۳۴۳ / احیای قانون کاپیتولاسیون
- ۸/۲۵ / استقلال آنگولا ۱۹۷۶
- ۸/۲۳ / ۵۲ / اعتصاب کارگران جهان چیت
- ۸/۱۳ / ۵۷ / کشتار دانش آموزان (روز دانش آموز)
- ۸/۱۳ / ۵۹ / قتل عام روستا شیسان ایندرون در کردستان
- ۸/۸ / ۶۰ / شهادت رفیق مبارز سجستانی احمدزاده

"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قربانانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"
(سائوشه دون)



شهادت آبان و آذر ماه

چریکهای فدائی خلق ایران

* * *			
- ۹/۷ / تولد فردریک انگلس ۱۸۲۰	- ۶۲/۸/۱ / فرج الله نیک نژاد (کاک وریا)	- ۵۰/۸/۱۹ / سلیمان (جام) سلیمانی	رفقسا:
- ۹/۳۰ / تولد ژوزف استالین ۱۸۷۹	- ۸/۲۵	- ۵۲/۸/۲	شاهرخ هدایتی
- ۹/۱۱ / ۱۳۰۰ / شهادت میرزا کوچک خان	* * *	- ۶۰/۸/۲	فرهاد سپهری در ظفار
- ۹/۲۱ / ۱۳۲۵ / سرکوب جنبش آذربایجان		- ۶۰/۸/۵	محمدقلی جهانگیری
- ۹/۲۴ / ۱۳۲۵ / اشغال مهاباد		- ۶۰/۸/۵	تزیل پورا حمدی
- ۹/۲۱ / روز استقلال گینه ۱۹۶۰		- ۶۰/۸/۷	سهراب جهانگیری
- ۹/۱۶ / ۱۳۳۲ / شهادت دانشجویان مبارز: شریعت رضوی، احمد محدث قندچی و مصطفی بزرگ نیا (روز دانشجو)	- ۵۱/۹/۷ / استلاله بشردوست	- ۶۰/۸/۷	حسین مدیرشانه چی
- ۹/۱۹ / روز استقلال جمهوری دموکراتیک خلق یمن ۱۹۶۷	- ۵۵/۹/۳ / پرویز نصیرمسلم	- ۶۰/۸/۸	محمدحسین خادمی
- ۹/۱۶ / قیام مسلحانه کارگران مسکو	- ۶۰/۹/۲ / زهرا آقا نسی قلهکی	- ۶۰/۸/۸	علیرضا شفیعی
- ۹/۱۸ / سالروز انقلاب آلبانی	- ۶۰/۹/۲ / ابولقاسم اسفندی صحت	- ۶۰/۸/۱۳	محمدحسین سلیمانی
	- ۶۰/۹/۲ / عبدالکریم اجیرانی	- ۶۰/۸/۱۳	علی بهروزی
	- ۶۰/۹/۳ / محمدحسین معینی	- ۶۰/۸/۱۵	علی برنشان
	- ۶۰/۹/۱۴ / غلامرضا تالوردیان چابچی	- ۶۰/۸/۲۷	محمد قادری
	- ۶۰/۹/۲۶ / فریدون شافعی (کاک رحمان)	- ۶۰/۸/۲۸	حسین رکنی
		- ۶۰/۸/۲۸	احمد بیلا فکن
	* * *	- ۶۱/۸/۱۰	علی اصغر ذاکری

هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

کمبود خوابگاه

معضل دانشجویان

گرامی باد دومین سالگرد قیام پرشکوه خلق فلسطین بر علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش اسرائیل جنایتکار، قیام پرشکوهی که اراده خلل ناپذیر خلق فلسطین برای رسیدن به آزادی و ددمنشی ارتش مزدور اسرائیل را همزمان در مقابل دیدجهانیان قرار داده است.

در یازدهم آبانماه سال جاری نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بایورش به دانشجویان پلیتکنیک تهران و سایر خاک و خون کشیدن مبارزات آنان، بار دیگر ماهیت ضد خلقی خود را بنمایش گذاشتند. این یورش وحشیانه که برگ سیاه دیگری بر پرونده سراسر ننگین رژیم افزود، در پی اشغال ساختمان خالیای روی داد که دانشجویان قصد داشتند از آن بعنوان خوابگاه، دانشجویی استفاده نمایند، ساختمانهای در خیابان فلسطین که از مدتها پیش بوسیله ارگان ضد خلقی بسیج مستضعفان تصاحب شده بود.

انعکاس خیر و وحشیگری پاسداران جمهوری اسلامی در حق دانشجویان مبارز در سطح جامعه، در حالیکه موجب انزجار با زهم بیشتر توده های خلق ما از رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی گردید، در عین حال رفسنجانی فریبکار را بر آن داشت که از آن بعنوان یک "حادثه تلخ" نام ببرد. در این رابطه و البته پس از آن "حادثه تلخ" رحمانی مسئول بسیج، طی مصاحبه ای با رادیو رژیم مدعی شد که ساختمان مزبور متعلق به بسیج و مورد استفاده این ارگان بوده و در ضمن ساختمان مزبور نیز هیچگونه مناسبتی برای خوابگاه نداشته و ندارد و دانشجویان معترض هم عسده ای متخلف بوده اند که عمدتاً یا فارغ التحصیل شده و یا املاخودشان دارای خوابگاه بوده اند. در صفحه ۱۰

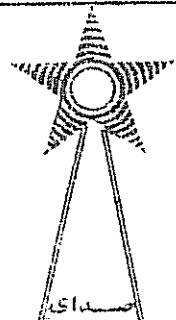
۱۳ آبان روز دانش آموز گرامی باد!

فرخنده باد ۲۵ اکتبر هفتاد و سومین سالروز انقلاب کبیر اکتبر، انقلاب کبیری که زیر درفش رهایی بخش ما رگسیسم - لنینیسم با سرنگونی بورژوازی استثمارگر، فرارسیدن دوران نرینی را در تاریخ نوید داد. دوران ناسودی سرمایه داری و ساختمان سوسیالیسم برای رسیدن به کمونیسم.

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدائی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکمیل آثار سازمانی یکوشید

برای تهیه یا چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:



چریکهای فدائی خلق ایران

ساعات پیش :

۹ شب و
۶ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد
دریغ ۷۵ متر

فرانسه

انگلستان

F. S
B. P - 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND

پرتوهای یاد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر